

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

پیام رادیویی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

خواهران و برادران عزیزم،
سالیهاست که ما سیاست نهضت مقاومت ملی ایران را برپا می‌کنیم و حسن همجواری استوار کرده‌ایم. اکنون که شروع گفتگو بین ایران و عراق و امیدباز یافتن طح مردم هر دو کشور را خرسند نموده، جای آنست که ضمن تاء کید بر اصول کلی نهضت نسبت به چند نکته مهم، با زبانه صراحت تمام، اظهار نظر نمایم:

ما همواره مخالف جنگ بودیم، مخصوصاً وقتی سردمداران رژیم کنونی نیست با طنی خود را علنی کرده و گفتند که درصد ما در کردن انقلاب به اصطلاح اسلامی خود، به سایر کشورهای جهان هستند.

روابط ایران و عراق را توافق الجزیره و معاهده مرزی و حسن همجواری ژوئن ۱۹۷۵ و ضام آن تعیین روشن نموده است و ما همواره نظر خود را در این مورد به صراحت بیان داشته‌ایم.

ما، بمحض خروج نیروهای بیگانه از خاک ایران، موافقت خود را با آتش بس اعلام کردیم و آنچه میسر بود در راه استقرار صلح انجا مدادیم. با لاجرم وقتی که قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد، با قاطعیت از آن پشتیبانی کردیم. متأسفانه فریادهای ماجائسی نرسید و پس از گذشت یک سال تمام و تحمل زیانیهای مادی و معنوی جبران ناپذیر، به قبول آن تن در دادیم.

ما مخالفت خود را با هر حکومتی که از شکم رژیم ضد ایرانی و ضد انسانی کنونی بوجود آید، به تکرار، ابراز داشته‌ایم. امروز بیش از هر وقت برای این مخالفت خود استوار هستیم. بویژه که تعدادی از روزنامه نگاران و بینگاه‌های سخن پراکنی دول غربی، بطور علنی و مستمر - با تکیه بر نام یکی از بسا زوبغروش‌های دیروز، که اکنون در لباس روحانیت درآمده - در این راه تبلیغ میکنند و این شخص را مردنیرومند و مرد صلح و گوربا چغا ایران می‌نامند. بی‌اطلاعی و بی‌خبری ایسن افراد - که از قضا خود را وارد به امور کشور ما معرفی میکنند - حیرت انگیز است. برای مثال، دستگای بی‌بی‌سی، که خود را به صراحت مستقل و آزاد جلوه می‌دهد، شیخ علی اکبر فرستجانی را مرد

صلح، مرد معتدل و مرد روشن بین معرفی میکند.

آنهایی که به اجبار در نما یشتا مه نماز جمعه‌ها نشگاه تهران بوده اند و ترهات و رجزخوانی‌های این شیخ را که همواره از جنگ - جنگ تا پیروزی سخن میگفت شنیده‌اند، او را خوب می‌شناسند. کدام ایرانی است که فد و نقیض گوئی‌های او را، بقیه در صفحه ۳

سعید رضوانی

دربین بست سالوسی

و خود کامگی

عربی وارد مسجد شد و به صف نماز پیوست. پیش‌نما زد و قنوت آن آیه را خواند که: "الاعراب أشذکفرأ و نفاقا" یعنی اعراب از کفر و نفاق بدترند. عرب خشمگین شد، با عصا چند ضربه بر سر و کول پیش‌نما زد و نماز را تمام گذاشت و رفت.

چندی بعد با زمره عرب وقت نماز به آن مسجد رسید و داخل شد و بنما از ایستاد. این بار پیش‌نما ز آیه دیگری خواند که در ستایش اعراب است: "و من الاعراب من یؤمن بالله" عرب گفت: "یا ایها القاری تَفَتَّک العصا" عصایی که خوردی برایست نافع بود!

بقیه در صفحه ۴

همین جسته

بیت شکسته

حتی مردم کشوری شکست خورده در جنگ، وقتی که جنگ تمام شود، اگر هم دست نیفتا نند و بیای نکوبند، دست کم لبی به خنده می‌گشایند. ولی گزارش‌ها نشان می‌دهد که مردم ایران، هنگامی که خبر پایان جنگ را شنیدند، چنان بی‌تفاوت از آن گذشتند که انگار رنه انگار اتفاق مهمی افتاده است.

بیگمان مردم ایران نمی‌توانستند شادمان نباشند، زیرا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، برای رژیم تهران یک شکست نمایان سیاسی - نظامی بود.

بقیه در صفحه ۱۰

هادی بزاز

جمهوری هم شرقی و هم غربی - اسلامی

مردود بنیال او ماشین عظیم و پیرکار و پرخرج تبلیغاتی رژیم، برافسانه‌ی "نه شرقی و نه غربی" و مخصوصاً "اصرار مداوم او در اتصال تیره بختی و فروماندگی "دنیا اسلام" خصوصاً "و جهان مستضعف" عموماً "به" استکبار و سلطه‌ی قدرتهای "جها نخوار"، مسلماً "دربرا نگیختن هیجان مردمی که با پوست و استخوان خود ستم استعماری و عوارض وابستگی را لمس می‌کردند و طبعاً "در بسط نفوذ "خمینی گری" سهم انکارنا پذیر - داشت.

دامنه‌ی آثار این حرکت تبلیغاتی، همراهِ با خشن‌ترین شیوه‌های تروریستی، آدم‌کشی، هواپیما ربا ئی، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری و بی‌اعتنائی به ابتدائی‌ترین قواعد بین‌المللی تا آنجا کشیده شده که بقیه در صفحه ۲

فرستاده ویژه لوموند به تهران

خشم پاسداران

در کوچه‌ها و خیابانهای شهر عظیم تهران، کمترین اعتراض گذشته گشت‌های مختلف اسلامی به چشم می‌خورد. راه‌بندان‌های غول‌آسای تهران که در بعضی ساعات رفت و آمد را در پارتخت فلج میکند، فقط ناشی از تعداد زیاد دوسا ئل نقلیه نیست، بلکه در اثر نبودن ماء موررا همنامی هم هست. رانندگان تاکسی مانند بیشتر ایرانیان از انتقادهای تند و خشن نسبت به رژیم خودداری نمی‌کنند. سخت‌گیری نسبت به حجاب اسلامی کمتر از گذشته شده است و زنان نیز با وجود هشداریهای رژیم که آنهم کمتر از گذشته شده است، آرایش و آب و رنگ خود را بیشتر کرده‌اند. بیسک روشنفکر مخالف رژیم به ما میگوید: نباید فریب عادی شدن اوضاع را خورد. طبیعت رژیم همچنان سرکوبگراست و نمیتواند خود را تغییر دهد.

بقیه در صفحه ۵

ایران

به روایت تاریخ هرودوت

در صفحه ۸

در آن ایام که "جبروت و اعجاز" امامت در میان بود و از قصه "جام زهر آگین" و "خفت نشانی نبود، تاکیدی حساب پیر حسینی مکان

تعهده جنگی امام

رژیم آیت‌الله چون از طرح‌ها و اقدامات غیرعادی - مانند بگرو بندن و کشتن و کشتار رجبت اسلام‌خلالی - در مبارزه با موادمخدرکاری از پیش نبرد به طرح "والعادیات" متوسل شده است.

درباره این طرح مسئول ستاد مبارزه با موادمخدر کمیته انقلاب اسلامی - داود کریمی - توضیحاتی داده است که بسیار جای تاءمل دارد.

ابتدایاً در آورشویم که کلمه "والعادیات" را رژیم آخوندها از عنوان سوره‌ی بهمین نام در قرآن مجید اقتباس کرده است. قرآن می‌گوید: "والعادیات ضحیا"، بقیه در صفحه ۱۲

از رادیو ایران

معماران ناشی جنگ و

معماران ناشی صلح

خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی، از معماران ناشی جنگ و از معماران ناشی ترملح، می‌گوید که بحرانی که بر اثر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ منگیر رژیم تهران شده است، ممکن است ماها و بلکه بیشتر ادا مه داشته باشد.

اگر رجزخوانی‌ها و لاف‌زنیهای رئیس جمهوری اسلامی، رئیس شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران را در طی خطبه‌های نماز جمعه و فرصت‌های دیگری که دست می‌داد، به یاد آوریم، این سخنان او، یعنی ادا مه بحران در رژیم تهران، بسیار اقلانه می‌نماید. چنین به نظر میرسد که شیوه درمان به وسیله شوک فقط در پزشکی مصرف ندارد، زیرا تکانهای ناشی از شکست‌های پیاپی، برخی زما مداران رژیم تهران را نیز برسر عقل آورده است. ولی نه آنقدر که تمام حقیقت را دریا بند، بلکه فقط برای آن که جزئی از حقیقت را بفهمند.

بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

جمهوری

"هم شرقی و هم غربی" اسلامی

حتی گروهی از "نظریه پردازان" غرب را به قبول این فکر قانع کرده که جنبش خمینی‌گری علی‌رغم جنبه‌های قهرآمیز و خشونت‌بار و نیز جدا از مبحث زشت و زیباییش، انعکاسی از مظلومیت و خیزش شرق استعمار زده است که رفته رفته می‌رود تا جای همه‌ی جنبش‌های ملی و استقلال طلب جهان سوم را دست کم در آسیا و آفریقا تصرف کند.

این برداشت نا پخته (و بعد توضیح خواهم داد، چرا نا پخته) در مواردی از این حد نیز گذشته و در فکر گروهی از این "نظریه پردازان" به نفی و شکست قطعی گرایش‌های ملی و جایگزینی "ایمان مذهبی" بصورت برنده‌ترین سلاح مبارزه و کارآتریسی و وسیله‌ی بسیج نیروها، تعبیر شد.

در این میان بر خورد مساومت آمیز جبهه‌ی شوروی و با لطمه حزب توده با مواضع خمینی، بی‌اعتنا به خرده‌گیریها و حملات فحشی او و با منبریهای او به

"استکبار شرق" دو بُعد اساسی داشت:

یکی آنکه، معتقد بودند، اصرار و ایستادگی خمینی در خصومت با گرایش‌های ملی، در انتهای بود آنها تمام خواهد شد، با این پیش‌بینی که تزریق دماغ فکری "وحدت اسلامی" فرا تراز تعلقات ملی، به سستی و گسیختگی این تعلقات و آماجگی عاطفی برای قبول ایدئولوژی مبرز نا پذیر آنها کمک خواهد کرد و بنده‌ی گشوده‌ی گره‌ی که تا کنون با دست آنها ناگشوده مانده است، خواهد بود و بدست خمینی گشوده خواهد شد.

در دوره‌ی همزیستی حزب الله و حزب توده، آشکارا از زبان فعالان توده‌می شنیدیم که "ملایان در مجموعه‌ی کارنقشی بیشتر از یک بولدوزر و زوربان کنننده نخواهند داشت" و آن جا که پای ساختن به میان می‌آید، اجبارا "عقب خواهند نشست و آن وقت است که میوه‌ی رسیده بدامان ما خواهد افتاد (همان حسابی که بسیاری از ملیون را نیز فریفت و بجای بهره‌کشی به بهره‌دهی واداشت).

عامل دومی که به دوام همزیستی "بی‌خدا و با خدا" کمک میکرد، اصرار تند و آشتی‌ناپذیر خدا مریکائی رژیم و عرب‌سده‌ی "مرگ بر شیطان جهان‌خوار" و عملیات تروریستی ضد غربی و عمدتا "خدا مریکائی" آن بود که دیپلماتی رفقا را راضا میکرد و رضایتی که بوسیله صدها امثال حزب توده و انواع خلقی‌ها، با چنان وسعتی ناممکن بود.

برای کارگزاران حزب توده چه فضائی از این مساعرترا قبل تصور بود که در آن "مرگ بر امریکائی جهان‌خوار" در ردیف اصول دین و عبادات روزمره‌ی حزب الله نشسته است؟

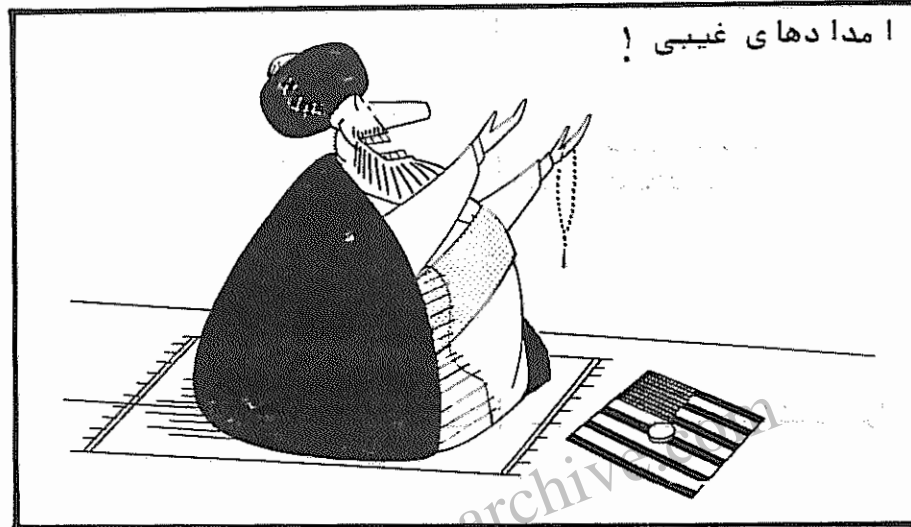
قابل درک است که این عامل دوم، آن قدر برای سیاست‌گذاران لاقلا آن روز شوروی دلپذیر بود که وقتی نوبت به سرکوب حزب توده رسید و جماعتی از اعضاء ردیف دوم و یا سوم این حزب به قتلگاه روانسه و رهبران آن به زندان و توبه محکوم شدند، اینهمه را مقامات شوروی تنها به ابراز کدورت و شکوه‌ی سبکی برگذار کردند و در نتیجه کمترین آسیبی به

بنیاد روابط "دوستانه" و "حسن همجواری" میان دو همسایه‌ی بی‌خدا و با خدا وارد ساخت - بعکس مذاکرات و معاهدات و همکاریه‌ی "فنی و تجاری و حتی فرهنگی" و دادوستدهای سنگین و قول و قرارهای نفتی یا گرمی تمام داد می‌افت.

با وجود این، در یک دایره وسیع تر، نظاره‌ی خصومت با استکبار "شرق و غرب" حالا با یکی سبک تر و با یکی سنگین تر - مجموعا "سبب شد که حتی جمع‌عی از دشمنان رژیم، در ابلاغ این نظر بسا مبلغان رژیم هم صدا شوند که جمهوری اسلامی با همه‌ی سبک‌ریها و سیاه‌کارها، هر چه هست "وابسته" نیست - جهنمی آفریده

بنای "وابستگی" مهر تصدیق کوبیده است. به لفظ دیگر، همانقدر که خمینی و عمارت کثان او بر اصلت "نه شرقی و نه غربی" خود اصرار داشتند ما بر جدا نشدنی پذیر بودن دوپدیده‌ی (استبداد) و (وابستگی) با فشاری داشتیم حتی اگر مباحثان استبداد مدت‌ها خود را با دق‌بینگانا رندویا در شرایط خاصی و مثلاً "تا آن زمان که بهر دلیل از حمایت مردم برخوردارند، واقعا" هم در عدم وابستگی صادق باشند.

حرف ما این بود که هر رژیم مغروضی اگر پشت به قدرت مردم داده است حاجتی به بیانه‌ی بزار سرکوب و اختناق ندارد، چرا که سرکوب و اختناق جایی مطرح است که



امدادهای غیبی!

دوشیدن و افسار زدن به مردم مطرح است. خمینی و محرکه‌ی اسلامی اومی توانست (چنانکه توانست) مدت‌ها به بیانه‌ی حفظ میراث "انقلاب" و حفظ دست‌آوردهای "انقلاب" از گزند "فدا انقلاب" لزوم پاسداری از محدودیت‌ها را بهانه‌ی آورد ولی خصومت ذاتی او و مخلوق او نه فقط با آزادی‌های فردی و اجتماعی، بلکه حتی با "مدارای انسانی" بحدی بود که یک ذهن بهنجار و آرموده می‌توانست در همان پله‌ی اول حس کند که با دیوانه‌ای سروکار پیدا کرده که معانی متعارف جنون و توخوش را پشت سر گذاشته است.

بی‌آنکه قصد سرکوفت و سرزنش در میان باشد، گفتنی است که محرومیت از چنین ذهن فیاض و روشن بینی بود که جا معسه‌ی با اصطلاح نخبان و اکثریت قریب با تفارق ملیون و خلاصه مردم ما را به سراشیب بیعت با غول کشاند. لاقلا در آن جا که فاجعه به لغزش توده‌های مردم مربوط میشود، باید قبول کرد که فرصت تجربه و تشخیص که تنها در فضا‌های آزاد دست میدهد، طی سالیهای دراز از مردم دریغ شده بود و در نتیجه، در لحظه‌های تمیز و تصمیم‌گیری امکان هدا رهنده‌ای نصیب آنها نشد تا قصه‌ی چاه و چاله را بیاد بیاورند و بهر حال این مبحثی است که به تحلیل جداگانه‌ی نیا زدا و منظور ما فعلا "همان دستیابی به چگونگی رابطه‌ی علت و معلولی میان (استبداد) و (وابستگی) و نقل این واقعیت است که: رژیم‌های فدملسی و خودکا مه‌بدلیل جدا نشدنی از مردم ناچارند

است ولی به اختیاری تا زده، بشهادت صفحات قیام ایران در همان بحبوحه‌ی عملیات تروریستی رژیم و با زار گرم شعارهای "خداستکباری" و غلغله‌ی "نه شرقی نه غربی": انفجار روکشتار در قرارگاه‌های امریکائی و فرانسوی در لبنان و پیش از آن در جریان تصرف سفارت امریکا در تهران و ماجرای خفت‌بار گروگانگیری و بعدها در آن زمان که پیرمرد در قلعه‌ی هفت توی جماران برای شوروی نیز شاخ و خا نه می‌کشید و بخت برگشتگان توده‌ای را علی‌رغم "تئوریهای" بدیع آقای طبری در اثبات خویشاوندی اسلام و مارکسیسم، به زندان و جوخه‌ی مرگ حواله میکرد، ما نوشتیم و بتکرار نوشتیم که اطوار خمینی ولو آن که ریشه در حماقت و دیوانگی بسته و یا حتی اگر در مغز او این پندار جوانه زده باشد که: در خط اسلام و پشت به قشون حزب الله قاراست یکسواران "استکبار" را بزیر آورد و با همین توشه‌ها "نخستین حکومت اله در کوه‌ی ارض" را شالوده بریزد... دیرباز زود، یعنی آن زمان که به جبر و اکتعیت هماغا مالخولیای پیرمرد فروکش می‌کند، هم او در کمال خفت به یوچی پندارهای خود با ورخواهد کرد و هم آنها که خط منطبق و اصول را گم کرده اند متوجه خواهند شد که چه آسان اصلی را که روی منطبق و فرا تراز منطبق روی انبوه تجربه‌ها قوام گرفته است، زیر پا گذاشته و گذشته‌اند: اصلی که بر وجود ارتباط مستقیم و مناسبات "علت و معلولی" میان رژیم‌های استبدادی و

هستی خود را به قلاب قدرتی بی‌سرو از حوزه قدرت مردم بیا ویزند و در مسیر این احتیاج است که هر اندازه از مردم فاصله می‌گیرند بهمان اندازه، این جا، بر شدت سرکوب و آن جا، بر مایه‌های وابستگی می‌افزایند و بدینگونه است که روابط "وابستگی" بصورت کاملی در قالب مناسبات خادم و مخدومی شکل می‌گیرد، روابطی که در آن بطور طبیعی حرف آخر با مخدوم است. تا آن روز که خادم نیا ز مخدوم را بر میآورد و دست کم حضورش در بهره‌کشی مخدوم مانعی ایجاد نمی‌کند، عزیز و سوگلی است و آن زمان که وجودش مخل بهره‌کشی است و در جذب منافع مخدوم لنگی میزند، یا خود را باید "تصحیح" کند و یا عرصه را بدیگری واگذارد (البته این راه‌ها فاه کنیم که در شرایط "عصر البرق‌دستی" که جبراً "آکنده از تضاد و رقابت است، حالت سومی هم پیش می‌آید، که مناسبات خواسته با تمسک‌های مردمی آشتی کنند و ناچار حق را به حق‌دار واگذارند و این در مواردی است که بی‌اعتنائی به خواست مردم، مردمی که آماجگی و بلوغ و تسلیم‌ناپذیری خود را نشان داده‌اند به امری ناممکن مبدل میشود.)

با آگاهی به سرنوشت دیکتاتورهای ریز و درشت جهان سوم، درک اشکال مختلف این تحول و سرنوشت آن ملت‌هایی که از بندی به بند دیگری لغزیده و یا آنها که به مقصود رسیده‌اند، آسان می‌شود و برای ما آسان تراگرز زندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خودمان را در هفتاد سال گذشته که بندرت از عوارض استبداد دووا بستگی‌خالی بوده است رد بگیریم که در هر قدم با صورتی از هم‌آغوشی استبداد دووا بستگی روبه‌رو خواهیم شد.

رضا شاه که پوشیده نیست در خط مصلحت‌های انگلیس بقدرت رسید، با آنکه نمی‌توان انکار کرد شخصاً "به دوام پیوند با انگلیسی‌ها مایل نبود، از آنجا که بنا را بر حفظ قدرت فردی و شیوه‌ی معروف (من حکم میکنم) نهاده بود و آن جا که حتی با ندادن هم‌عصر خود تا تورک به اندیشه‌ی "اتکا" به مردم "با ورنداشت، وقتی به جدائی از انگلیس‌ها مصمم شد، ناچار، باز به نیروی بیرون از حیطه‌ی قدرت مردم، مانند آلمان هیتلری توسل جست و دیدیم که به آسانی هدف انتقام انگلیسی‌ها قرار گرفت و به چشم برهم‌زدنی از اوج قدرت یکتای خودبزیار افتاد.

سرنوشت محمد رضا شاه نیز از این ماجرا بی‌نصیب نماند. او که با کودتای سرداد بر نهضت ملی ایران غلبه کرد و بنابر خودکا مگی گذاشت، در راه تشبیت حکومت مطلقه و بقصد راه بستن بروی حوادث پیش از سرداد با شتاب از مردم فاصله گرفت و هر قدر این فاصله طولانی تر شد، باز به حکم همان اصل استثنائاً نا پذیر و رابطه‌ی علت و معلولی میان دنیای وابستگی و عالم خودکا مگی هستی خود را به تمام می‌بهراد و قدرتها بیست که راه تسلط و بازگشت او را هموار کرده بودند، این واقعیتی است که حتی خود او

بقیه از صفحه ۱

پیام رادیویی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

مخصوصاً " در مورد ایران گیت ، شنیده با شادوندان که این عمر خود فروخته تا حد حد آلت دست بیگانه گانی است که بسیاری حیوان باقی مانده، تروت ایران طرجهائی ریخته اند و خواب هائی دیده اند .

سخن من با این سخن و اعمال او نیست ، سخن من با اربابان اوست ، بیایدان دلالان بین المللی است ، به جز زبان و تاکسی باید تکرار کنیم که ایران کنونی ، ایران کودتای ۱۲۹۹ نیست ، ایران ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیست - که در تمام این جریانها بیگانگان بدست عناصر مزدور خود نیسات پلید خویش را به ما تحمیل کردند و پس از گذشت چند سال ، خودشان با کمال وقاحت حقیقت را با زگو کردند و گفتند که دخالت ما در امور داخلی ایران بمنظور تامین منافع دنیای آزاد بوده است ، پس اگر خدای نخواسته فردا موفق شوند شیخی را با بزرگ معتدل به ما تحمیل کنند دیری نخواهد گذشت که خود آنها با ارائه مدارک ، ما را از حکومتی حقه باری جدید خود آگاه خواهند کرد .

ما میدانیم که تبلیغ برای حکومت ولایت فقیه یا هر حکومت فردی دیگر ، در نفس امر ، موضوع دیدن کدخدا و چابیدن ده خواهد بود ، در رژیم دیکتاتوری این کار آسانی است ، حال آنکه در رژیم حاکمیت ملی و دموکراسی اگر مجال نیابند بسیار دشوار است . آنجا که مردم به حساب نیابند ، آنجا که مردم در سر نبوت خود دخالت داشته باشند ، آنجا که برای عقیده ، بدون زندان و زجر میسر باشد ، آنجا که مردم در راه دموکراسی قدم بر میدارند ، البته استقرار یکسال دموکراسی ، کار یکسال و دو سال و ده سال نیست ، ولی آیا ما نباید امروز دلیلی را برای رهایی خود از قید اسارت و بسیاری سعادت با زمانندگانمان قدم های اولی را برداریم ؟

خواهران و برادران من ، آنجند ده سال پیش راجع به حکومت منحوس و نکتیت با رخصتی گفتم با کمال تاء سف به حقیقت پیوست ، امروز کشور ما بدویرانه ، بزرگی ساگورستانهای پهناور و معلولین بشمارا رسیدل کرده است . امروز دیگر کدام ایرانی است که با زبند روحانیون معتدل و منیا نه روا میدبندد و بخواهد زمام امور کشور را بسدست چنانیکه رانی بسیار که در طول ۹ سال حکومت ، هشت سال جنگ بی حاصل برای مدورا انقلاب به اصطلاح اسلامی خود کردند ؟ کدام ایرانی است که به آنها شبکه ملی - کزائی را کفر و دموکراسی را رژیم شیطانسی میداندا عتفا دکنند ؟

من بسیم خود برای یک رژیم ملی گرا - دموکرات - و مترقی قدم برمیدارم ، و برای آخوند محلی و محفلی جز مسجد و منبر ، آنهم بمنظور انجام فرائض دینیسی ، سراغ ندارم . در هر حال رژیمی که ظسرف ده سال امتحان خود را داده ، دیگر با بزرگ

اعتدال و بندوبست دلالان مرگ قابل قبول مردم ایران نخواهد بود ، این دلالان ده سال به خمینی کیک کردند تا دستکاه مخوی اختتای و دیکتاتوری او با برجا بماند ، تا آتش جنگ به قیمت خون جوانان ما ، روس بماند و آنها بتوانند تروت ما را به یغما ببرند . امروز ، همان ها ، یعنی اطف و دلسوزی ، به با زسازی کشور ما توجه پیدا کرده اند و برای غارت باقی مانده تروت ما ، برنا مریزی دقیق میکنند ، این ها میگویند حکومتی باید سرکارا باشد که ملی گران باشد ، که از حداقل شعور بهره ای نداشته باشد ، زبان هارا ببندد و قلم هارا بشکند تا برده از سر بندوبستهای بنیان برداشته نشود ، آخوندهای طماع هم همچنان ، به بهانه " سرکوب کردن ضد انقلاب ، دیکتاتوری تعیین رابینسی از پیش بیاده میکنند ، طرح روشن و حساب شده ای است ، فقط انکال کار در دو نکتسه است : نخست آنکه ما میدانیم و مخصوصاً شما جوانان - که دست حریفان را خوانده اید - میدانید که آنها چه میخواهند و ما چوچه میخواهیم .

دوم آنکه ما ایمان به حقانیت خود داریم و در نتیجه مبارزه را ندید تر خواهیم کرد تا تسلیم نظر آخوند و ارباب او نسویم . نهضت مقاومت ملی ایران با حفظ اصول ملی گزایی - دموکراسی - و عدالت اجتماعی ، پس از خاتمه جنگ بین ایران و عراق ، در اکثر روستی های خود تجدید نظر خواهد کرد ، آنچه در مدنظر من است پس گیری از لغزش ها و مقاومت در مقابل دیکتاتوری از یک طرف و خنثی نمودن طرح های بیگانگان و مزدوران آنها ، از طرف دیگر است . تصمیم گرفتند که نخما " پیام های مریخ ، روشن و کونا هی خطاب به : ارتس و قسوا ی مسلح - اقوام ایرانی - کارمندان دولت - ایلات و عشایر مناطق مختلف کشور - روحانیت دین دار - و نیز آخوندهای وایس گرا و ضد ایرانی ، بفرستم ، هر کزوهی با اطلاع قبلی ، به توجه مخصوص نسبت به این پیام ها دعوت خواهد شد .

ایران در این روزها لحظات بسیار حساس و نا بد خطرناکی را میگذراند ، حساب برای اینکه یک دگرگونی بنیادی در سرف شکل گیری است ، خطرناک برای اینکه اگر در این ایام ما نبرنگ های بی وطنان را از نظر دور بداریم ، اگر اجازه دهیم که بیگانگان برای ما شکل یا محتوای حکومت تعیین نمایند ، و بالاخره اگر بعد از دادن صدها هزار قربانی و تحمل رنجهای بی شمار ، در تلاش برای دستیابی به دموکراسی سستی کنیم ، کشور عزیز خود را ، بدست خود ، به بیگانه فروخته ایم .

پس امیدمن آنست که شما ، خواهران و برادران عزیزم ، شما جوانان ایران ساز ، با عزم و ایمان و پاک دلی ، زیر شعار ایران هرگز نخواهد مرد ، کشوری آباد و آزاد را بی ریزی کنید ، من همیشه با شما خواهم بود .

(۳ شهریور ۱۳۶۷ - ۲۵ اوت ۱۹۸۸)

بقیه از صفحه ۲

جمهوری "هم شرقی و هم غربی" اسلامی

درخواست آمد آورد و افشای فضا حت ایران - گیت درستی داوری ما را گواهی داد ، شرح سفر ما ، موریت هیئت امریکا شی - اسرا شیلی ، بریاست مک فارلین به تهران و گفتگوی چهار روزه ای این هیئت با ما ، موران " نه شرقی و نه غربی " رژیم در هتل هیلتون " استقلال " تا همان حدی که در اسناد با ز جوئیهای " گروه تاور " و کنگره ای امریکا و از زبان با زیگسرا ن صحنه (مک فارلین ، بو بندکستر ، سرهنگ نورث ، الیرت حکیم و دیگران) منتشر شده است پرده از ذلت و بینوا شی هیئت " جمهوری اسلامی " در مقابل هیئت " شیطانسی و صهیونیستی " ما ک فارلین بر میدارند و نشان می دهد که رجز خوانهای دربار رفقیه ، از سالها قبل و دقیقاً " در همان ایام که بی محابا بر استکبار شیطانسی لعن و نفرین حواله میکرده اند ، چه عا جزانه در خفا برای دلبری از شیطان خود را به آب و آتش میزده اند ،

اطوار شخیص خمینی برای خاموش کردن آن ۸ نفر " وکیل " شورای اسلامی که بیگسار به آب زندوبخیال خام ، محض تحریک " امام " از چند و چون حوادث پشت پرده ، پرس و جو کردند و حیرت زده با نهیب پیر مردیرو پیرو شدند و خفقان گرفتند ، سرتاسر شاهد زنده ای این واقعیت بودند که " امام " نیز در این چسبندگی یک پاشریک بوده است .

این همه فقط شمه ای از جریان طولانی آغاز تا افشای افسانه ای " نه شرقی و نه غربی " و شکل گیری سرنوشتی است که استبداد فقیه را با وابستگی و یکی از شرم آورترین انواع آن جفت کرد از حوادث بعدی و فضا حت (جنگ جنگ تا پیروزی) که از امشب تا فردائی (به صلح صلح و لبیک یا امام) و جام زهر آگین و بقیه - قضا یا منتهی شد ، نمی گوئیم که حدیث روز است و در عین حال شمایی از جدا عدلی وقاحت و بی چشم و روئی که در این طایفه به حدنما بهای حیرت انگیز جریان دارد .

در این میان گزارش های درون مرزی ، حاکی از این است که حتی کسوره مسافرخانه های تهران نیز در این روزها انباشته از لاشخورها است که این بار با بزرگ " مشارکت در با زسازی " بدریبار فقیه هجوم آورده اند و مترصدند با بستن پلی به اولیاء حوزه ولایت و یا خلشق سکوئی در آن ، جوازی دست و پا کنند و منقارها را بکاراندا زند .

در ارتباط با همین همهمه ای " با زسازی " است که در محافل شناخته شده ای بین المللی قصبه ظهورا عدتال و " پراگما تیسیم " در باغ وحش فقیه سخت خاطر خواه پیدا کرده است . و اما ذهن مجرب ما ابرانیها که در پشت این اصطلاحات موهوم با اشواع این با زیها آشنا است ، بسوی صحنه ای دیگری نیز می جرد ، صحنه ای که در آن ، جنگ میان پاره های رژیم " نه شرقی و

در کتاب " پاسخ به تاریخ " بر آن صحنه گذاشته است و مثلاً " در زیر عنوان (اخطار به روزنامه ای پروادا) ، آن جا که بشرح مواضع امریکائی ها و انگلیسی ها و رابیزنی با سفرای دو کشوری نشینند دقیقاً " داستان فرماندهی و فرمانبری را تداعی میکند ، می نویسد :

" در طول پانزده سال ۵۷ مرتباً " دو سفیر ، مراه ادا مه و گسترش سیاست آزاد سازی تشویق میکردند ... عجب در این بود که غالباً " شخصیت ها و یا فرستادگانی از امریکا بیدار من می آمدند و سیاست مقامت و اعمال قدرت را توصیه میکردند و چون از سفیر ایالات متحده می پرسیدم که رویه ای واقعی آن دولت چیست ؟ می گفت که دستوری دریافت نکرده است . "

برژینسکی رئیس شورای امنیت ملی در دوران کارتر ، در قسمتی از یادداشتهای خود به یک مکالمه ای تلفنی با شاه - درست در جریان سرگرفتن طوفانها - اشاره می کند که ضمن آن به شاه نوید داده است :

" دولت ایالات متحده ، با هرگونه دولتی که شاه انتخاب کند و هر رویه ای که پیش گیرد و با هر سیاستی که در مقابل شاه با وضع بحرانی مایل باشد ، قاطعانه موافق است . "

برژینسکی در این گفتگو حتی تلویحاً " شاه را به اتخاذ مواضع سخت تشویق می کند ولی از ازمی شنود که " ممکن است در شرایط موجود چنین مواضعی باعث وخیم تر شدن اوضاع شود . "

برژینسکی با ردیگر حمایت قطعی دولت ایالات متحده را تکرار می کند و می نویسد : " در اینجا شاه از من سئوال کرده که آیا شما این مطلب را به سفیر خود گفته اید ؟ و من به او جواب دادم ، خواهیم گفت ، " برژینسکی ادا مه میدهد :

" آنوقت شاه با لحن امیدوارانه ای از من خواست که سخن خود را در باره ای حمایت قاطعانه از تصمیمات او تکرار کنم و من تکرار کردم ... " بحث در باره ای نتایج و چند و چون ما جزا نیست که حالا هر کس بخواهد از آن سر درآورد ، دهها سند و شاهد زنده در اختیار دارد ، موضوع در زمینه ای مثل هائی است که خواه در ایران و خواه در سایر کشورها ، ملازمه ای دو پدیده ای وابستگی و خودکامگی را بخصوص در جهان سوم به احساس و درک می آورند .

بقیه از صفحه ۱

معماران ناشی جنگ و معماران ناشی صلح

در اینکه خاستگاه می گوید که بحران کنونی رژیم تهران به عنوان بزرگترین و مهمترین بحران چه بسا که چندین ماه ادامه داشته باشد، نمی توان تردید زیادی داشت، بحران ممکن است کمتری باشد اما این طول بکشد، لیکن آنجا که عقل خاستگاه ناشی خود را نشان می دهد، این است که می پندارد از این بحران راه نجاتی برای جمهوری اسلامی وجود خواهد داشت.

این کسی جز موسوی اردبیلی اما مجمع موقت تهران نبود که گفت اداره صلح از اداره جنگ مشکلتر است. پس بهتر آنکه حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی خاستگاه از این حرف همتای خود در قلمرو ما مستجمع نتیجه بنا بپسندید و بگیرد و از خود بیبرد و ژوئیزی که جنگ را چنان گردانده که کار به این افتضاح کشید، آیا خواهد شد توانست صلح را چنان بگرداند که افتضاحی بزرگتر از این به بار نیاید؟

ملاهای تهران و حومه هر اندازه هم که در دروغساز و ونیرنگ بازی مهارت داشته باشند، با زهم دچار آن عارضه ای می شوند که هیچ دروغگوئی را از آن گریزی نیست یعنی: ناشی حافله، آنان که مدام فریاد می زنند و تا آستانه پذیرش آتش بس نیز این فریاد زدن را ادامه دادند که بزودی در میدان جنگ، تکلیف حکومت عراق را یکسره خواهند کرد و راه قدس را با گذار از مسیر کربلا در خواهند نور دید. اگر به این سرعت همه گفته ها و کرده های خود را فراموش کرده اند، خود را با یک مشکل بزرگ ناگشودنی روبرو می بینند و آن اینکه ملت به اندازه آنها فراموشکار نیست.

خمینی در یکی از همین فرصت هائی که در ایوان جماران، درباره جنگ و صلح سخن می گفت از جمله پرسید: صلح یعنی اینکه رئیس جمهوری ما با رئیس جمهوری عراق رودر روی یکدیگر بنشینند و مذاکره کنند، این محال است، و صلح یعنی اینکه وزیر خارجه ما با وزیر خارجه عراق رودر روی یکدیگر بنشینند و مذاکره کنند، و این محال است. محال است نمایندگان ما با نمایندگان دولت عراق روبرو یکدیگر بنشینند و با یکدیگر مذاکره کنند، ما همان طور که بارها گفتیم حرف خود را با حکومت عراق فقط در میدان جنگ می زنیم.

تا وقتی که جنگ بود، خمینی می کوشید تا آنجا که ممکن است همه مردم را در آن شرکت دهد: جبهه ها را پرکنید - این یکی از شعارهای دلخواه خمینی، آری، دلخواهترین شعار را بود، و اکنون که افکار عمومی ایران و به دنبال آن، فشار بین المللی صلح را بر او تحمیل کرده اند، بحث در این باره هر قدر بی سروصدا تر باشد بهتر.

بحث درباره جنگ، مگر در آن شعارها در تاشید آن، ممنوع بود، اکنون بحث درباره صلح، مگر به آن روایتی که دلخواه رژیم است، ممنوع گردیده است.

بقیه از صفحه ۱

قطعنا مه ۵۹۸ که با زور بخورد جمهوری اسلامی دادند چنان در مزاج آیت الله و اعوان و انصار روی آورده است که یکبار از آن طرف افتاده اند و ندیدند " صلح طلب و هوا خواه" معاً مع بین المللی ندهاند. این روزها هر صدائی از تهران می شنویم درست است صلح است و تقبیح جنگ و تاکید بر وجوب و اهمیت سازمان های بین المللی، حتی درین تنگ کلاغ برکه مردم ایران نمی دانند کشورشان در جنگ است یا در صلح و اگر جنگ تمام شده است پس چرا افراد را بسیج می کنند و به جبهه می برند، اگر تمام نشده است پس نیروی حافظ صلح آمده است چه کار، جمهوری اسلامی با عجله یک کنفرانس بین المللی در تهران ترتیب داد تا بگفته دبیر ستاد برگزاری کنفرانس " کموکا " مکانیزم های بین المللی را از لحاظ علمی مورد بررسی قرار دهد!

وقتی حکومتی هیچ نیروی کنترل کننده در برابر خود نداشته باشد هر چه می خواهد میگوید و هر چه می خواهد می کند، اما این نوع حکومت فقط در یک جامعه ابتدائی و عقب مانده و محصور قابل دوام است و اگر چنین جوامعی هنوز هم در عصر ما وجود داشته باشند محققاً " ایران جزو آنها نیست، رژیم آیت الله چرا فکر می کند در کشوری مثل ایران میتوان با دروغ و دغل خود کما مکی حکومت کرد و همچنان حکومتی قابل دوام خواهد بود؟ بیسن " استناد " سنتی با " خود کما مکی " نوع جدید که از دیده های خاص عصر حاضر است فرق اساسی وجود دارد.

استناد، خاص جوامعی بود که " ملت " در آن مفهوم خارجی نداشت، توده ای از مردم که در قلمرو فرمانروایی یک حاکم بسا سلطان زندگی می کردند خود را در حکم برده حکومت می بیند و تمدن می دهد و رابطه میان آریاب و رعیت با برده و برده دار رسماً توضیح دادن و توضیح خواستن یا توجیه کردن و توجیه شدن مطرح نیست، " هر عیب که سلطان ببیند، هنر است، " حکمران یک روز بنا بر مقتضای تنی که تشخیص آن منحصر " با خود است و وارد جنگ میشود، رعیت چشم و گوش بسته تبعیت میکند و مطالبی ضوابطی سیم خود را در جنگ بی بردارد، روزی که بنا بر مقتضای تنی حکمران صلح را بر جنگ ترجیح میدهد و آشتی میکند، آن را هم رعیت بی چون و چرا می پذیرد، در حکومت استبدادی نه رعیت حق سؤال کردن برای خود قائل است و نه حکومت

در بن بست سالوسی و خودکامگی

این که وکلای ملت تشخیص داده اند در بن برهه از زمان حضور در جبهه های جنگ واجب عینی است و به همین جهت جلسات مجلس بطور موقت تعطیل میشود تا نمایندگان محترم بتوانند جهت ادای واجب در جبهه حاضر شوند.

هر طفل دبستانی میداند که حکومت لازم دیده است از باب احتیاط مجلس را تا مدتی تعطیل کند چون احتمال داشت در همین مجلس دست نشانده فرمایشی هم حتی به کتایه و انا ره دربار جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی حرفی زده شود و اختلافات عمیقی که در بن رژیم وجود دارد زبیرده بیرون بیفتد و بن بست های خارجی در معرض خطر قرار گیرد.

اگر رژیم دچار بیماری " شیروفرنی " نبود برای تعطیل مجلس به این ظاهر سازی خنک متوسل نمیشد، اما رژیم بیمار و مجنون آنقدر شعورش نمی رسد که یک لحظه تاء مل کند و با خودش بیندیشد این مردم چقدر دنیات نیستند، لاقلاً آنقدر قوه تشخیص دارند که بگویند چه طور در طول هشت سال جنگ، هنگامی که آتش از زمین و آسمان میبارید، همین حکومت میگفت شرکت در جلسات مجلس بمناسبت شرکت در جبهه است و وکلای اگر هم میخواهند به جبهه بروند یا بدینوبت بروند تا مجلس از اکثریت نیفتد و تعطیل نشود ولی اکنون که جنگ به آخر رسیده حضور در جبهه برای وکلا بصورت تکلیف شرعی و واجب عینی در آمده است؟

آن بیانیها محققان را اخیراً با بیانیها احقاق نه تری تکمیل کردند و با آداب نوشتند که چون حضور نمایندگان در جبهه های جنگ همچنان ضرورت دارد، تعطیل مجلس نیز ادامه می یابد! کی بر سریده بود چرا مجلس را تعطیل کردید؟ کی اهمیت میداد که چنین مجلسی تشکیل شود یا تعطیل شود؟

بس خدا مرض دروغگوئی و فریبکاری را به جان اینها انداخته است تا بدست خودشان و به زبان خودشان، خود را مفتضح کنند. آیا چنین حکومت مفتضح بی آبرو و بی اعتباری قادر خواهد بود همکاران " ملت " را که شرط لازم برای گردش کارهای مملکت در عصر " مبارکت ملی " است جلب کند؟ هرگز!

وظیفه خود میداند در مورد تصمیماتش به مردم توضیح بدهد. بنابراین روابط هر چند سفاوت آمیز است ولی ربا کارانه نیست. حال آن که خود کما مکی عصر جدید، با بهانه بردار و غیوبی و ربا کاری استوار است و بقول جورج ایزول " حکومت شیروفرنی " است.

شیروفرنی یا اسکیزوفرنی یکی از سخت ترین بیماری های روانی است که بیمار را پس در حالت های متضاد بسر میبرد. بدرستی نمیتوان تشخیص داد چه وقت در حال طبیعی است و چه وقت در حال بحران. بیماری مبتلابه " شیروفرنی " دائم میگوید خود را چیزی غیر از آنچه هست نشان دهد و نه فقط دیگران را اغفال میکند بلکه خودش هم از خودش فریب میخورد و نمی فهمد فرق بین حقیقت و محارز چیست.

ارول میگوید: " جامعه ای که آفتست خود کما مکی از نوع ویژه عصر حاضر است و بیفتد همه چیزش آشکارا صورت تصنعی و غیر واقعی پیدا میکند بدلیل این که طبقه حاکم قدرت کما مکی خود را از کف میدهد و ناگزیر، با دروغ و فریب به قدرت می رسد، چنین جامعه ای هر قدر هم دوام نکند از استحکام معنوی برخوردار نخواهد بود. " جمهوری اسلامی دارای تمام خصالت های یک حکومت استبدادی است اما بدلیل این که در او از قرن بیستم تولد یافته و محل تولد آن هم کشوری است که هالی آن زمان خود را در کم میگذرد و حاضر نیستند از حقوق خودشان بعنوان یک " ملت " دست بکشند آیت الله خمینی و اارودسته او به همان دردی دچار شده اند که نویسنده نکته سنج انگلیسی شرح میکند آنها از لحاظ " مملکتداری " به ضعف کامل و بن بست مطلق رسیده اند و هیچ وسیله کار سازی برایشان باقی نمانده است مگر دروغ و فریب.

چنین حکومتی ناگزیر است راجع به همه چیز دروغ بگوید، دروغ، در ابتدای امر از اعتبار حکومت نزد خارجی و داخلی میکاهد ولی هنگامی که صورت مستمر پیدا کند دیگر اعتباری برای حکومت باقی نمی ماند و دروغ ها نفرت انگیز میشود، چند هفته قبل، بس از آن که آیت الله خمینی جام زهر را نوشید و جمهوری اسلامی قطعنا مه ۵۹۸ را بدیفرت، از طرف مجلس شورای اسلامی بیانیتهایی صادر شد مبنی بر

حداکثر افراد ملت، صلح بدون مشارکت مردم تا آنجا که امکان پذیر باشد، با اینهمه این بدان معنی نیست که جمهوری اسلامی صلح را از سرخواهد گذراند، اینک خمینی سرنوشت رژیمش را بسرنوشت جنگ گره زده بود، سخنی از سر شویی نبود، جنگ محیط زیست رژیم خمینی را فراهم می آورد، این رژیم، برای آن که اکنون تنفس کند، با یدتها می ارگانیزم خود را تغییر دهد، در شرایط حاضر اگر فقط یک امرنا ممکن وجود داشته باشد، همین است.

حتی مجلس شورای اسلامی را که به قول خمینی جای بحث درباره همه امور بود، در زمان آتش بس به بهانه شرکت در جنگ تعطیل کرده اند. همه میداند که مجلس را برای شرکت نمایندگان در جنگ تعطیل نکرده اند بلکه از آنرو تعطیل کرده اند که نمایندگان آن به خود اجازه فضولی در مذاکرات آتش بس صلح ندهند. اگر بخوایم سیاست جنگ و صلح جمهوری اسلامی را در دو عبارت کوتاه خلاصه کنیم، آن دو عبارت این است: جنگ با مشارکت



هم میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهفت مقامت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ یاریس

بقیه از صفحه ۱

خشم پاسداران

بسته شود باید قطعاً مه ۵۹۸ را پذیرفت .
رفسنجانی میداندست که فقط خمینی می-
تواند دهان مخالفان را در مقابل پذیرش
قطعاً مه ببیند، بعد از مرگ خمینی ،
چنین اقدامی مخالفت شدیدی در میان
پاسداران بر می انگیزد و برخوردهای
خشنی را در بطن رژیم بوجود می آورد .

رفسنجانی تصمیم به پذیرش قطعاً مه ۵۹۸
را به عنوان تصمیم اما م قلمداد
کرد، در حالی که خود وی تمام تلاش را بکار
برده بود که خمینی را قانع کند قطعاً مه
را بپذیرد. خمینی در پیام ۲۰ ژوئیه خود
که طی آن از ایران نیان خواست بدون چون
و چرا قطعاً مه را بپذیرند، اشاره کرد که
تصمیم به پذیرش قطعاً مه با نظر مقامات
مسئول جمهوری اسلامی یعنی رفسنجانی
گرفته شده است و وی این زهر را بخاطر
دلایلی که حالاً نمی خواهد آشکار کند
سرکشیده است . خمینی طی جلسه جنجالی
شورائی که متشکل از رهبران جمهوری
اسلامی است، تغییر عقیده در آتش بس را
پذیرفت . وی بر سر رفسنجانی و دوستان
وی فریاد زد که " شماع ماه است در
پشت سر من مشغول تهیه مقدمات این کار
هستید ،" وی پس از آن که آرام شد، گفت:
هرکاری که میخواهد بکنید .

خمینی از آن پس در برج عاج خود انزوا
گزید و حتی بمناسبت ماه محرم و فرا رسیدن
سال نو قمری هیچ پیامی نداد . بعضی ها
میگویند خمینی پس از نوشیدن زهر، از نظر
سیاسی مرده است . اما بهر حال تخمیناتی
با خلع سلاح کردن مخالفان پروپا قرصی
که ممکن بود مخالفت آنها به بهای عمر
رژیم تمام شود، خدمتی عظیم و آخرین
خدمت خود را به مسئولان رژیمش کرد .
آیا خمینی واقعا " به آخر خط رسیده است؟
آیا واقعا دچار بیماری ای و خیم و آنطور
که برخی ها میگویند دچار سرطان کبد شده
است؟

به این پرسش ها نمیتوان با قاطعیت پاسخ
داد، اما مسلم آن است که وی بسیار
سالخورده است، به روایت های مختلف ۸۶
یا ۸۸ سال دارد، و تحولات اوضاع شوک
عمیقی بر روحیه او وارد کرده است .
کوتاه شده، زلوموند، چا پاریس
۲۰ اوت ۱۹۸۸

به جیبه ها تردید میورزیدند، بدنبال این
شکست فاش ، رفسنجانی همراه با رئیس
ستاد مشترک ارتش نزد خمینی رفتند تا
اوضاع خراب در همه جیبه ها را به اطلاع
وی برسانند . رفسنجانی از روحیه ضعیف
و بی ملاحظیتی فرماندهان پاسداران انتقاد
کرد و تمام مسئولیت شکست ها را برگردن
آنها انداخت .

محسن رضائی، فرمانده سپاه، بیکسار
ننشست و در یک سخنرانی در برابر عموم،
بدرستی تاء کید کرد که رفسنجانی حتی قبل
از آن که به عنوان جانشین فرمانده کل
قوات تعیین شود، از ۶ سال پیش مسئولیت
کامل عملیات نظامی را بر عهده داشت .
محسن رضائی گفت: میخواهند همه
تقصیرها را به گردن ما بیندازند، پاسخ
متقابل رفسنجانی طولی نکشید، ما موران
"ری شهری" وزیر اطلاعات و امنیت، محسن
رضائی را جلب کردند و دورا به پیش پای او
گذاشتند: محاکمه شدن در دادگاه نظامی،
یا اعتراف به خطاها و انتقال از خود در
تلویزیون، وی ناچار راه دوم را برگزید،
و مسئولیت همه شکست های متوالی را بر
گردن گرفت، و ته مانده اعتبار و آبروی
را که نزد پاسداران داشت نیز از دست داد .
خمینی از آن پس قانع شده دست زدن به
حمله ای وسیع که وی از یکسال پیش
روء یای آن را در سر می پروراند، غیر
ممکن شده است، خمینی چند ماه قبل، در
پاسخ به درخواست آیات عظام، گلپایگانی
و نجفی مرعشی که میان جیگری خود را برای
برقراری صلحی شرافتمندانه پیشنهاد
کرده بودند، گفته بود "مگر دعا کنید که
خمینی بمیرد" اما این بار، در مقابل
تصویری که رفسنجانی از اوضاع نظامی
ترسیم کرد تسلیم شد و گفت: "هرکاری
میخواهد بکنید" .

چراغ سبزی که رفسنجانی مدت ها منتظر آن
بود، روشن شد . وقت تنگ بود و رفسنجانی
بخوبی میدانست که باید بطور سریع عمل
کند و تا خمینی زنده است و تا پیش از آن که
عراق بخش های قابل توجهی از خاک
ایران را تصرف کند و احساسات ملی گرائی
مردم ایران به جوش آید و راه مصالحه

گفت: هر نوع مسئولیت اداره جنگ را
از خود سلب میکنم، زیرا پسر ما در تمام
امور مملکت مدخله میکند .
اما رفسنجانی و احمد خمینی هر دو از سپاه
پاسداران، که شکسته روحیه و نا امیدیه
افشای دروغها و فریب های مسئولان زوی
آورده است، بیم دارند، انضباط از
مدتها پیش در میان پاسداران ست شده
است و کار بجائی رسیده است که پاسداران
آشکارا سیستم اسلامی و بویژه روحانیون
را که از جنگ ثروت سرشار اندوخته اند و
ایمان مذهبی هم ندارند بشدت مورد انتقاد
و تردید قرار داده اند، بنا بر این، اولین
تلاش رفسنجانی بعد از برقراری صلح،
تجیی کردن ببال و پیر پاسداران خواهد بود
احتمالا وی علیه آنها از دادگاه های
نظامی زمان جنگ استغاده خواهد کرد و
این اختیاری است که خمینی به موجب
حکم انتصاب وی به فرماندهی کل قوا به
وی داده است، به گفته بسیاری از ناظران،
شکسته شدن روحیه پاسداران و بسیجی ها
بیش از بکارگیری سلاحهای شیمیائی از
سوی عراق، ریشه اصلی شکست های
غیر قابل توجیه جمهوری اسلامی در فوا و
شلمچه و مجنون بود، به علاوه، همین کاربرد
سلاحهای شیمیائی عامل دیگر تاراجی و
انتقاد در میان پاسداران است، آنها
میگویند، مسئولان هیچ اقدامی برای
حفاظت از اما در مقابل این سلاحهای مرگبار
انجام ندادند، بسیاری از پاسدارانی که
از جیبه ها به شهر و روستا های خراب
برگشته اند، میگویند ما سکا ها ای که در
اختیار آنها قرار گرفته بود اکثر "بسیار
ابتدائی و به کلی در مقابل سلاحهای
شیمیائی بی اثر بود .

با وجود درخواستهای مکرر رژیم، رفته
رفته، جیبه ها خالی شد، اقداماتی که
پس از شکست شلمچه، با تبلیغات وسیع
برای بسیج نیروهای کمکی صورت گرفت
بی نتیجه ماند و رژیم در اردیبهشت گذشته
پس از آن همه تبلیغات فقط توانست در
تهران ۲۵۰ نفر را و طلب بسیج کند، حتی
روستایان که تا بحال تاء مین کشنده
اصلی نیروهای رژیم بودند، برای رفتن

انتقاد شدید به پذیرش قطعاً مه ۵۹۸ و
آتش بس، از ناحیه پاسداران شنیده
میشود، پاسداران که نیروی اصلی رژیم
بودند با خشم تصمیم رژیم را مبنی بر به
زمین گذاشتن اسلحه، پذیرفتند، آنها
میگویند: مسئولان ما باید جواب این همه
خرابی و اسراف را که ببار آورده اند و
تمام مسئولیت آنها بر عهده دهند و
این پاسداران در عین این که میگویند
ایمان خود را به خمینی فقط به حفظ
کرده اند میفزایند: فعلا " چون امام
بخاطر حساسیت اوضاع خواسته است، همه
قطعاً مه ۵۹۸ را بپذیرفته اند، ولی وقتی
که روند صلح بطور غیر قابل برگشت آغاز
شود، آن وقت زبانه ها گشوده خواهد شد .

بحران اعتماد میان پاسداران و رژیم از
اردیبهشت ماه ۸۰ سال همزمان با انتخابات
مجلس شورای اسلامی آغاز شد که دو جناح
تندر و بهر رهبری احمد خمینی و محافظه کاران
مذهبی سنتی را در مقابل یکدیگر قرار
داد . در واقع، زیر پوشش ایدئولوژیک
مبارزات انتخاباتی، به نظر پاسداران
مبارزه برای دوران بعد از خمینی جریان
داشت . احمد خمینی، خوشبینی ها و محتشمی
وزیر کشور که در تهران سه تفنگدارنا میده
میشوند، آشکارا انتخابات را دستکاری
کردند تا پیروزی از آن جناح تندر شود .
این نبردهای داخلی در بطن رژیم اثری
بسیار مغرب بر روحیه پاسداران داشته
است که آشکارا پسر خمینی و قدرت بی حد
ومرزی را که وی بخود اختصاص داده است
مورد انتقاد قرار میدهند، بخصوص که وی
هیچ سمت رسمی هم بر عهده ندارد، تردیدی
نیست که قدرت احمد خمینی فقط و فقط
ناشی از نجاست که وی پسر خمینی است .
در تهران گفته میشود که پس از مرگ
خمینی وی سرنوشتی همچون "بیوه ما شو"
رهبر پیشین چین پیدا خواهد کرد که پس از
مرگ ما ثوبه محاکمه کشیده شود و به حبس
محکوم گردید .

سه تفنگدار، احمد خمینی، خوشبینی ها و
محتشمی، در حمله علیه جناح محافظه کار
بسیار زیاده روی کرده اند و حتی با
جلب گیری از انتخاب برخی از دوستان
رفسنجانی وی را نیز رنجانده اند .
رفسنجانی چند روز قبل از انتصابش بسمت
جانشین فرماندهی کل قوا با تلخکامی
نزد خمینی زبان به شکوه گشود و به وی

حزب الله پروبال ریخته

میدهد و ضربات خود را بر اعضای غیر معروف
اما فعال حزب الله وارد میکند، حدود
۱۵ تن از آنها هنوز در "عنجر" مقرر
سازمانهای اطلاعاتی سوریه در لبنان،
اسیر هستند .

در میان حزب الله، بر سر سیاسی که باید
در مقابل سوریه پیش گرفت، اختلاف
افتاده است، جناح تندرو تر به رژیم
جمهوری اسلامی نزدیک تر و طرفدار حفظ
روابط با تهران است و گروه دیگر اتحاد
با سوریه یا دستکم انجام برخی خدمات
برای سازمانهای امنیتی سوریه را پسر
منفعت تر و به صلاح نزدیک تر میداند .

بقیه در صفحه ۱۰

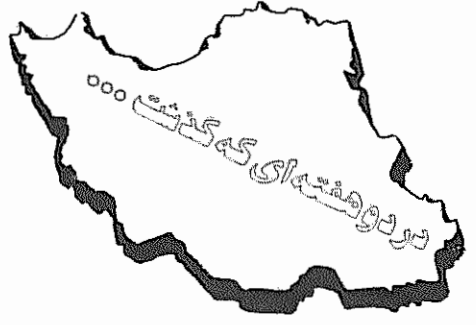
بود، اکنون اکثر "مجبور شده اند به ایران
با زگردند، پیش از ورود نیروهای سوری
به حومه جنوبی بیروت، تعداد پاسداران
ایرانی در آنجا به حدود سیصد نفر رسید
ولی اکنون از چندده نفر تجاوز میکنند .
حتی پاسداران بعلبک و بویژه پادگان
شیخ عبدالله که مقر اصلی آنان بود فردای
پذیرش قطعاً مه ۵۹۸ از سوی جمهوری
اسلامی، به تهران بازگشتند و اکنون در
پادگان شیخ عبدالله، چند تنگهبان بیشتر
باقی نمانده است .

گروهی از اعضای لبنانی حزب الله نیز
به تهران رفته اند، گروهی دیگر دچار
غضب سوریه شده اند که همچنان به تفتیش
و جستجو در حومه جنوبی بیروت ادامه

جمهوری اسلامی در جبهه ها و انصراف
تهران از ادامه جنگ با عراق، حزب اللهیها
را در لبنان بسیار تضعیف کرده است و فرار
از میان مغوف آنان روز بروز بیشتر
میشود . حزب الله همچنین مورد بی مهری
مردم قرار گرفته است و بسیاری امروز
بیم دارند از آن که خود را نزدیک به
حزب الله نشان دهند .
پاسداران جمهوری اسلامی که پیش از
این تعداد آنها در لبنان روجه افزایش

روزنامه لوموند چاپ فرانسه، در گزارشی
پیرامون اوضاع حزب الله در لبنان می-
نویسد: حزب الله قدرت خود را در لبنان از
دست میدهد، اما همچنان برگ برنده ای
در دست سوریه است .

فرانسوا زشیپوفر ستاد ویژه لوموند
به لبنان می نویسد: تردیدی نیست که
شکست های حزب الله از سازمان ملل در
جنوب لبنان، شکست سیاسی اش در حومه
جنوبی بیروت و بخصوص شکست های



یکشنبه ۲۳ مرداد

علی خامنه‌ای رئیس جمهوری رژیم تهران با ردیگر از مردم خواست با وجودی که با فتن جنگ، هشیاری خود را حفظ کنند...

مقام حسین رئیس جمهوری عراق در مقابل هیئت وزیران این کشور گفت: این عراق بود که تصمیم به صلح گرفت...

پست‌های فرماندهی نیروهای ناظر سازمان ملل برای آتش بس میان ایران و عراق تعیین شد. در ایران این پست‌ها در کرکوک، بی‌قوبیه و بصره قرار دارند...

محمّد جواد دلارچانی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی که در فرمانگورت به سر می برد پس از ملاقات با هانس دیتریش گنشر...

علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ضمن تاکید بر تقویت بنیه دفاعی جمهوری اسلامی گفت: تضعیف نیروهای جمهوری اسلامی باعث خواهد شد که عراق مانع تر از ایستادن و مقاومت را به بین نیست...

هاشمی رفسنجانی در پی ملاقات با حجت الاسلام محمدباقر حکیم رهبر مخالفان دولت عراق مستقراً ایران گفت: عراقی‌ها نمی‌توانند آزادانه و آنگاه نیکوخواهان بازگشت به میهن خویش هستند...

طی سفر ۲۴ ساعته ملک حسین به بغداد، دولت عراق بعنوان سیاست‌گذار از اجزای تهران اردن در طول جنگ، بخشی از بازارچنگی به عنایت گرفته شده از ایران را که بخصوص شامل ۱۶۹ تانک و ۳۵ دستگاه نفربر زرهی است به دولت اردن هدیه کرد...

ضیاءالحق رئیس جمهوری پاکستان در انجمن هواپیمای خودکشته شد. به اعتقاد وزارت دفاع پاکستان، این انفجار ناشی از سوء قصد بوده است...

آرنولد رافل سفیر آمریکا در پاکستان، ژنرال اختر عبدالرحمن فرمانده ستاد ارتش پاکستان و همچنین چند ژنرال بلندپایه پاکستانی و یک افسر آمریکایی نیز که ضیاءالحق را همراهی میکرده اند...

به قتل رسیدند. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ضیاءالحق را خبری تاءثر انگیز توصیف کرد...

در مجمع عمومی سازمان ملل، بودجه نیروهای ناظر بر آتش بس میان ایران و عراق با مبلغ پنج میلیون و ششصد هزار دلار برای مدت سه ماه تصویب شد...

رئیس پژوهش‌های بین المللی در سوئد اعلام کرد که ایران و عراق ظرف ۸ سال جنگ، در حدود دو بیست میلیارد دلار اسلحه خریداری کرده‌اند و تصور نمی‌رود که با بیان گرفتن جنگ، خرید اسلحه حداقل در کوتاه مدت کاهش یابد...

طبق گزارش مذکور جمهوری اسلامی ۹۰ میلیارد دلار در دولت بغداد دستاورد و از آن ۱۰ میلیارد دلار صرف خرید اسلحه کرده‌اند. به عبارت دیگر، ایران و عراق تقریباً نیمی از درآمد نفتی خود را طی ۸ سال جنگ به خرید جنگ افزار اختصاص داده‌اند...

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که حمله موشکی رزمناوی وینسنز به ارباب ایرانی در روز دوازدهم تیرماه گذشته بر اثر اشتباه انسانی مسئولان اتاق کنترل رزمناو روی داده است. اما در شرایط جنگی، وقوع چنین اشتباهاتی غیر قابل اجتناب است...

جمهوری اسلامی عراق همزمان اعلام کرد که ساعت شش و نیم با مداخله مروزبه وقت تهران، آتش بس در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرزهای دو کشور برقرار شده است...

مقامات جمهوری اسلامی برای دفاع از مرزهای شناخته شده ایران در حالت آماده باش بسر برینند. به گفته ناظران مسئله شط العرب در مذاکرات صلح ژنو ایجا مشکل خواهد کرد. زیرا عراق تمامی شط العرب را از آن خود میداند...

اتحاد جماهیر شوروی روز گذشته با ردیگر اعلام کرد چنانچه ما لک غربی ناوگان خود را از خلیج فارس خارج کنند، دولت شوروی نیز بی درنگ گشتی‌های خود را از منطقه بیرون خواهد برد...

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی روز گذشته ضمن بازدید از منطقه کرمانشاه، شایعات اخیر درباره نخلال سپاه پاسداران را تکذیب کرد...

عراق جمهوری اسلامی را متهم کرد که طی دوروز اخیر با سوء استفاده از حالت آتش بس در جبهه‌های مرکزی نیرو مستقر کرده ولی پس از ورود ناظران سازمان ملل به آن منطقه، نیروهای خود را عقب نشانده است...

جمهوری اسلامی اعلام کرد که عراق، با متهم کردن او و همکاران جمهوری اسلامی نا محترم شمردن آتش بس، تبلیغات روانی وسیعی را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده است...

پراختند. یک اسلحه فروشی آمریکا می‌گوید که به گفته خودش در ماجرای فروش غیرقانونی اسلحه سوئدی به جمهوری اسلامی دست داشته است...

کارتناسان سازمان ملل متحد در گزارشی تأیید کردند که عراق پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی در تاریخ دوم اوت، در آشنویه علیه مردم غیرنظامی اسلحه شیمیایی بکار برده است...

طی روزهای آینده فرانسه خرید نفت از جمهوری اسلامی را که تحریم کرده بود از سرخواهد گرفت. مشروط به آنکه واردات نفت از ایران صرفاً در چهار چوب معاملات با پای پای انجام گیرد...

علی خامنه‌ای رئیس جمهوری رژیم تهران اظهار داشت که جمهوری اسلامی خواهان اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ و قطعنامه ۱۹۷۵ است که مرزهای میان دو کشور را مشخص کرده است...

ساعت ۳/۵ به وقت سوئیس، اولین دور گفتگوهای جمهوری اسلامی و عراق تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل آغاز گردید...

ساعت ۳/۵ به وقت سوئیس، اولین دور گفتگوهای جمهوری اسلامی و عراق تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل آغاز گردید...

جمع ۴ شهریور بدنیال انتشار گزارش سازمان ملل درباره اینکه عراق چند روز پیش از آغاز آتش بس در منطقه آشنویه علیه غیر نظامیان ایرانی سلاح شیمیایی بکار

جمع ۵ شهریور ساعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد و عراق در مقابل هر عملی که بر حق حاکمیت آن کشور برتر است شرط العرب لطمه ای وارد کند...

جمع ۶ شهریور ساعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

جمع ۷ شهریور ساعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

جمع ۸ شهریور ساعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

برده است، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای که به اتفاق آراء صادر شد، استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق را محکوم کرد...

دبیرکل سازمان اوپک در کویت اظهار داشت که در شرایط کنونی، مناسبت و عادلانه است که میزان سهمیه تولید نفت ایران و عراق یکسان باشد...

تلوویزیون ان بی سی آمریکا یک فیلم سه دقیقه‌ای تکان دهنده از جریان تدریس در عراق را پخش کرد...

پرزده و کوئینا، در ژنو اظهار داشت که مذاکرات صلح میان ایران و عراق به آهنگی کند پیش می‌رود، زیرا تا اینجا در فضای قابل فهمی از عدم اعتماد دگسار کرده ایم...

علی خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی، اظهار داشت که جمهوری اسلامی خواهان پذیرش مذاکرات ژنو است...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

سعدون حمادی وزیر مشاور در امور خارجی عراق، اظهار داشت که قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره دیگر اعتبار ندارد...

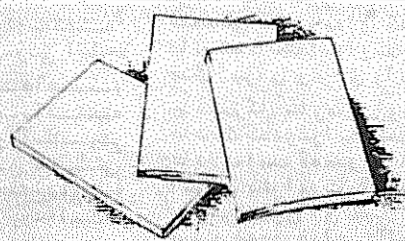
مذاکرات ژنو

۱۹۷۵ الجزیره که شط العرب را طبق موازین بین المللی یک رودخانه مرزی بین ایران و عراق تعیین کرده است، قابل چون و چرانیست. تمام معاهدات، دائمی، قطعی و غیر قابل تغییر هستند. معاهده ۱۹۷۵ معاهده ایست که بین ایران و عراق امضاء شده و یکی از طرفین امضا کننده حق ندارد بطوریکه جان نهد آنرا ملغی کند...

رادیو ایران ساعت‌های پخش برنامه

برنامه اول ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران. روی امواج کوتاه ردیف‌های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ کیلوهرتز) یا ۹۵۹۴ کیلوهرتز (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز). برنامه دوم ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه ردیف‌های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ روی امواج کوتاه ردیف‌های ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

معرفی کتاب



فؤاد روحانی

ایران

به روایت تاریخ هرودوت (☆)

محقق کرمانشاهی و همکار کرمانشاهی، فؤاد روحانی، که مدتی از تالیف برای بازتاب دادن تاریخ فرهنگ و تمدن ایران زمین فارغ نیست، کتاب تازه‌ای، زیر عنوان بالا، منتشر کرده است.

ما، بعنوان معرفی کتاب مزبور، بیس کفتر آن را نقل می‌کنیم تا در فرصت دیگری به بررسی محتوای آن بپردازیم. بیس کفتر

توضیحی درباره منابع تاریخ ایران باستان

تاریخ کشور و ملت ما اگر زمانی را که آریانی‌های ایرانی هنوز از آریانی‌های دیگر جدا نشده بودند و همچنین زمانهای بسیار دورتر را هم به حساب بیاوریم در حدود شش هزار سال سابقه دارد. اما متأسفانه تاریخ مدون فقط برای کمتر از یک سوم آن می‌باشد. دست‌آورد است برای بقیه مدت یعنی بیش از چهار هزار سال سزاستگاه. زبان، عادات، اخلاق و مدنیت نیایان ما بیشتر در زیر زمین نهفته است و فقط تنها حدی در سنگ نبشته‌ها، در آثار جغرافیایی باستان‌شناسی بدست آمده، در اساطیر و افسانه‌ها و در زبان‌های اشارات منتهی‌القدری از جمله گاتها و یشت‌های دین زرتشت جلوه می‌کنند. مثلاً "مفسران اوستا" ذکر کاویا و کربن‌ها را که در گاتها آمده است به دوره باستانی که نیایان ربط می‌دهند عقیده دارند که گتاسان حاکم زرتشت پسر لهراسب از سلسله کیانیان بوده که زمان او به حدود ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح یعنی اقلان سن قرن قبل از اولین سلسله تاریخی سلاطین ایران با مادها برمی‌گردد. روایات و داستان‌های هم‌اکنون عهد بسیار قدیم در خاطرها مانده و از نسل به نسل و سینه به سینه نقل شده بود که در زمان باستانی جمع آوری شد و در قرون چهارم هجری بعضاً "درنا هکار" بزرگ فردوسی منقح گردید. هنوز بسیاری از بزرگیهای تاریخ ایران باستان در اینها مرقوم است. باستان‌شناسان عقیده دارند که منابع اطلاع بر زیرزمینی بسیاری وجود دارد که هنوز دست نخورده و با داده‌ها برنا می‌های حفاری بمرور معلومات فراوان و مهم جدیدی بدست خواهد آمد. در حقیقت ایران شناسی هنوز از مرحله ابتدائی خودتجارت و زنگنه است.

زمان گبرستان باستانی و محوری حفاریهای شوش که کتاب بسیار باارزشی در خصوص نتیجه کاوشهای مزبور نوشته است (۱) شروع مدنیت ما قبل تاریخ ایران را به پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گرداند که برای اولین بار مردمانی در محلی به نام سینگ نزدیک کاسکان مسکن گزیدند و دورتر رفته از سید و کساویزی و دامادری به مرحله صنایع نساجی و سنگ تراشی و سرامیک و فلزکاری برفت کردند. وی تاریخ تحول مدنیت ما قبل تاریخ ایران را به سه دوره از هزاره پنجم تا هزاره دوم قبل از مسیح تقسیم می‌کند و می‌گوید ایرانیان دوران باستانی موقعیت و مقام برجسته‌ای بعنوان واسطه بین شرق و غرب داشتند، چون میان دو منطقه تمدن و فرهنگ قرار داشتند یکی منطقه تمدن باستانی و یونانی و رومی در غرب و یکی منطقه تمدن هندی و چینی در شرق. وی اضافه می‌کند: "به آسانی می‌توان اهمیت نقش واسطه مردم ایران را در پیدایش تماس و نزدیکی فرهنگهای شرق و غرب و همچنین در بنا به گذاری تمدن جهانی درک کرد."

سهند

شماره ۱۰ فصلنامه سهند در ۳۴۲ صفحه منتشر شد.

شورای نویسندگان سهند، در پیشگفتار این شماره، پس از پوزش از خوانندگان بخاطر تاخیر انتشار این شماره را از متنان از نامه‌های تحسین و تشویق می‌نویسند: "در این روزها که نکستی فراگیر تمام می‌اندازد و وطن عزیزمان را مبتلا کرده و روز به روز وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنرا احساس ترمی کند، از یکسو تحلیل پیشا مدتها و از دیگر سو جهت بخشیدن به ناخشنودی‌های هموطنانمان به راستی و واحد، از اهمیت ویژه برخوردار است. ما چنین باور داریم که در حال حاضر هیچ داری برای این وطن آسیب‌دیده درمان بخش ترازیگانی و وفای ملی، میان میهن دوستان آزا دیخواه وجود ندارد و در این باب در شماره هفتم سهند به تبیین مسئله پرداخته ایم و بدینسان، هدف پیکار ملی از یک طرف و راه و روش دستیابی به پیروزی از طرف دیگر مشخص است و کافی است که هر اندیشه‌وری که چنان همدلی و چنان راهی را با بردارد، در مقام بسط این مقوله حاصل فکر خود را به صورت گفتاری فشرده و کوتاه و از راه سهند در اختیار همگان بگذارد. تا با نقد و سنجش آن در برده ملی و در جهت استقلال ایران ملحوظ گردد. ما به چنین گفتارها ارج فراوان خواهیم نهاد..."

در این شماره، سهند مقالاتی با عناوین زیر می‌خوانیم:

میهن دوستی از کدام دیدگاه، از محمد ارسلی - افسانه‌های با عنوان ستم‌فارس برترک، از شهاب کریمی تبریزی - پیروان ملت و ملیت نقد و سنجش، از حسین ملک - سال ۱۹۸۷ نقطه عطف در نهضت مردم فلسطین، از م.الف - شناخت انتقادی ارزش‌های فرهنگی، از حمید عنایت - نقد رکیسم، از حسین ملک - سروری بر احوال خاندان پهلوی، از ت. نوبیان - صدق و اندیشه، ملی، از جمشید پارسا.

کاوه Kaweh

شماره ۸۰ فصلنامه کاوه مورخ تیرماه ۱۳۶۷ - که به زبان های فارسی و آلمانی در مونیخ به مدیریت دکتر محمدحاج صمدی منتشر میشود - بدست ما رسید.

این شماره با شعر "آدمها" از زینبیا یوشیج آغاز می‌شود:

آدمها که بر ساحل نشسته، شاد و خندانید، یک نفر در آب دارم سیار در جان. یک نفر در رده دست و پای دادم می‌زند، روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌داند.

در این شماره، کاوه مقالاتی با عناوین زیر جلب توجه می‌کند:

مردم شناخت، از احسان طبری - راست راه‌های بر "گزاره‌های" طبری، از سرهنگ ستاد دکتر هوشنگ ورجاوند - اضطراب و تضاد در روشنفکران جا معه عقب مانده، از دکتر کرنا در آزاداد - اندیشه‌ها، از منوچهر جمالی - یک هشدار روی چالش، از داریوش همایون - انتظار در سرزمین سوم، از سیروس آموزگار - ارایش فرورم، از شریا پور شریا - چگونگی تحریم شراب در قرآن، از شیخ عبدالکریم دعاگو - در پرسه‌های در بدری، از حسن رجب‌نژاد - سه پرسیمرغ، از پرویز دواغی - یادداشت‌های سفر حج، از مرتضی سراجی - کائنات و رابطه بین آزادی و قانون، از ناصر وکیلی - مرغهای عشق در سباران، از اسماعیل فصیح

ایران نامه

فصلنامه ایران نامه، مجله تحقیقات ایران شناسی، شماره ۳، بهار ۱۳۶۷، با تاخیر به قیام ایران رسید. این شماره با غزل حافظ:

مجلات و نشریات

زکوی یا رمی آید نسیم یا دنوروزی ازین با دارم مددخواهی چرا غدل برافروزی آغا میشود.

از مقالات این شماره بشرح زیر می‌توان یاد کرد:

آثار هنری ایران در نما یشگاه "هنر عرب اسلامی" از جلال متینی - یادداشت، از احسان یارشاطر - ببریان، از جلال خالقی مطلق - احیاء الملوک، از گریگوری برادره - ایران و کنفرانس صلح پاریس، از حسین فروری - شموله‌ای از شیوه‌های ابتکاری و گوناگون دانشمندان ایرانی در قرن فرهنگ‌نویسی، از علی اکبر شاهی - طبع انتقادی شاهنامه، از احسان یارشاطر - کرمان دل عالم است و...، از سعیدی سیرجانی - بنظر ما، یکی از خوانندگی‌ترین مقالات این شماره، مقاله فاطمه دکتر جلال متینی، مدیر مجله است که در آن عنوان نما یشگاهی که تحت عنوان "هنر عربی - اسلامی" در پاریس برگزار شده، مورد انتقاد قرار گرفته است. نویسنده پس از برشمردن آثار تاریخی که در این نما یشگاه به معرض تماشا گذاشته شد و غالباً "ایرانی است، مینویسد:

"آیا همین که بر شاهنامه فارسی الف و لام بیفزایید، و آن را بعنوان "الشاه نامه" در نما یشگاه قرار بدهید، شاهنامه فردوسی می‌شود عربی؟ ما به گردانندگان انستیتوی پیشنامی کنیم که در ذیل معرفی کوتاه مینویسند که شاهنامه در نما یشگاه، ترجمه چندبیتی راهم که فردوسی در بیان آنجا و بدخود، در باره "حمله" تازیان مسلمان به ایران سروده است، به زبانهای عربی و فرانسوی اضافه کنند تا با زدید کنندگان نما یشگاه، خود، دریابند، شاهنامه مینویسند، تا چه حدیک اثر هنری عرب - اسلامی است. بعلاوه قالیهای کارکشان یا اصفهان و سفالینه‌های ایران و هندوستان و افغانستان امروز چه ارتباطی با کشورهای جیبوتی و الجزایر و عربستان سعودی و موریتانی و غیره دارد؟ از طرف دیگر سنگ قبر مرید بیچاره‌ای را که متجاوزان سید و ونجس‌ها سال پیش، در سنین جوانی، در مشهد - ایران، به خاک سپرده شده است، بصورتی که بر ما معلوم نیست از روی قیصرش برداشته‌اید و با ملاحظه مسلمانان اعم از عرب و غیر عرب به "دیبا رکفر" برده‌اید و آن را در نما یشگاه خود بعنوان اثر "هنر عرب - اسلامی" جا زده‌اید."

علم و جامعه

شماره ۶۳، سال نهم مورخ تیرماه ۱۳۶۷ ما هنا به علم و جامعه را دریا فت کردیم.

از مطالب این شماره مجله - که به مدیریت دکترنا صرطهما سبی در ایالات متحده آمریکا، واشینگتن، منتشر میشود: دوروایت از دوفقیه، از دکتر علی‌اکبر حاج سیدجوادی - قیام ملی سی ام تبر، از سرهنگ غلامرضا نجاشی - فلسفه و سیاست، از برتراند راسل برگردان علی اصغر مهاجر - ساواک چگونه تشکیل شد، از م. منصور - گمراهی در دواوری شتابزده علیه ایران، از زهنری پرکت - بازنده کیست؟ از ج. پایدار - اوین، دانشگاهی که در آن ترس آموختم - دکتر فاطمی صفر نشد تقاضای عفونکندوا عدم شد - ماجرای من بیدین و ملایان دیندار، از احمد کسروی ...

شرایط انتقال

از نظام دیکتاتوری

به نظام دموکراسی

بروشور ما نیفست فرهنگی - سیاسی جامعه معلمان ایران، تحت عنوان بالا، مورخ تیرماه ۱۳۶۷، به دفتر قیام ایران رسید. در مقدمه، زیر عنوان "تحلیلی بر سر دو انقلاب گذشته، انقلاب مشروطیت و انقلاب

بهمن ۵۷" می‌خوانیم: "هیچ انقلاب و نهضتی بدون طی دوران تکاملی خودیک شبه ما نند تقارچ نمی‌روید.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

شکست نظامی نه به این معنا که خاک ایران به اشغال ارتش کشوری دیگر درآمده است، و شکست سیاسی نه به این معنا که در مذاکره‌ای که در پیش است، شرایط نا عادلانه‌ای بر ایران تحمیل خواهد گردید. بلکه بدین معنی که رژیم تهران و خمینی در راه آن، به هیچ یک از هدف‌هایی که وعده داده بود، دست نیافت. و مردم از هر شکستی که بر این حکومت وارد آید، احساس رضایت می‌کنند. لیکن رضایت باطنی با شادمانی ظاهری فرق دارد.

در این میان سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی در نماز جمعه در دانشگاه تهران لاف‌ها را از این می‌زند که ملت ایران هشت سال تمام مقاومت کرد تا به صلحی که امروز در چشم‌انداز قرار گرفته است دست پیدا کند. از همین جا می‌توان دریافت که ملت ایران چرا شادمانی نکرد. برای آنکه نشان دهد ملت واقعی ایران آن ملت نیست که خامنه‌ای از آن یاد می‌کند.

رئیس جمهوری خمینی در خطبه‌های آخرین نماز جمعه خود، دیگر نه "امت" نام می‌برد نه از حزب الله، بلکه از "ملت ایران" و "میهن عزیز" من می‌گوید.

ملت با سکوت بسیار معنی‌دار خود خواست یک بار دیگر به زمامداران رژیم تهران بگمنا ندهد که نه در جنگ آن‌ها سهم بوده است و نه در صلحشان. آن‌ها هشت سال تمام ملتی را به زور با به نیرنگ و فریب به جنگی کشاندند که بزرگترین بخش آن جنگی ملی

بقیه از صفحه ۵

بطوری که شیخ محمدحسین فضل‌الله یکی از رهبران روحانی حزب الله لبنان، روز دوشنبه گذشته (۲۲ اوت) از شرکت در مراسم عاشورا خودداری کرد و اکنون در دمشق در انتظار ملاقات با حافظ اسد بصر می‌برد.

لوموندنا فافه می‌کند: حزب الله آنکه سردر را شبی دارد اما هنوز نمرده است و میتوانند به عنوان برگی توسط سوریه بخصوص در ایام مشکلی که اکنون سوریه با آن روبروست، مورد استفاده قرار گیرد. سوریه نیز با در نظر داشتن این معنی هنگام ورود به حومه جنوبی بیروت از نا بود کردن کامل حزب الله خودداری کرد.

منطقه عمل حزب الله که گفته میشود به پناهگاه انواع بزه‌کاران و تبهکاران تبدیل شده است منحصر به نواریاریکی به طول ۴ تا ۵ کیلومتر و عرض ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر شده است اما همین اندازه وسعت البته با چشم پوشی سوریه، برای پنهان کردن گروهانهای غربی کافی است. سوریه بدین ترتیب حزب الله را تحت کنترل خود دارد و میتواند او را از نقش نظامی خود محروم کند یا برعکس، برای خدمات به منافع خود در صورت لزوم او را تقویت کند. به گفته یک سیاستمدار لبنانی، سوریه با تضعیف حزب الله نقشه‌ای را که در مقابل آمریکا برعهده داشت ایفا کرد، اما از نا بود کردن کامل حزب الله خودداری ورزید زیرا آمریکا برای کاهش قدرت شبه نظامیان مسیحی

بت شکسته

نبود. جنگی بود که خمینی برای صورت پذیر کردن روه یا های دیوانه وارش آن را ادا مده داد: جنگی بود که همه چیز ملت در آن بیا در رفت و هیچ چیز بدست نیا مد.

اگر خمینی می‌کوشد پاداش ملت ایران را از این جنگ به آخرت حواله دهد، ملت از یاد نبرده است که همین خمینی بود که سیل دشنام‌ها پیش را به سوی کسانی سر از زیر می کرد که از اسلام به عنوان "دین آخرت" نام می‌بردند.

ولی معلوم شد که خمینی نیز سرانجام از بخش اخروی دین بی نیاز نیست، و آن

وقتی است که کارها در این دنیا بر او تنگ شده باشد، ملت ایران را نمی‌توان از این برداشت منحرف کرد که خمینی فقط هنگامی که بطور قطع دریافت که جنگ بردنی نیست و ممکن است همین امروز وفردا تکلیف رژیم او را نیز یکسره کند، به صلحی تن در داد که همیشه از آن به عنوان "صلح ننگین" یاد می‌کرد.

خمینی می‌گفت اصلاً "هنگامی که انسان در راه هدفی می‌جنگد، برد و باخت مهم نیست، هدف مهم است. بنا بر این صلح به معنای دست کشیدن از هدف است. امروز

خلاصه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۵۹۸ که روز ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیرماه ۱۳۶۶) با توافق آراء به تصویب رسید، ضمن محکوم کردن جنگ بمباران مناطق مسکونی، کاربرد سلاحهای شیمیایی و ابزار شکنجه از افزایش تسخیر، بالستاد به مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد: ۱ - به عنوان نخستین اقدام برای حل مناقشه از راه مذاکره، خواستار اعلام آتش بس فوری و قطع هرگونه عملیات نظامی در زمین دریا و هوا و عقب نشینی بی درنگ نیروهای دو طرف به سمت مرزهای شناخته شده بین المللی شده است.

۲ - از دبیرکل سازمان ملل خواسته است هیئتی برای نظارت بر آتش بس و نظارت بر عقب نشینی نیروها به محل بفرستد.

۳ - خواستار رساندن اسیران، بی درنگ بس از خاتمه مخاصمه شده است.

۴ - از ایران و عراق میخواهد برای اجرای این قطعنامه با دبیرکل سازمان ملل و کوششهای میانجیگری آنها وی به منظور رسیدن به صلحی همه جانبه، عادلانه و سرافتمندانه و قابل قبول برای هر دو طرف و به منظور حل تمام مسائل معسوق

مانده همکاری کنند.

۵ - از همه دولت‌های دیگر میخواهد که برای جلوگیری از توسعه دامنه جنگ نهادی خویشتن داری را نشان دهند.

۶ - از دبیرکل میخواهد که با مشورت با ایران و عراق امکان تشکیل یک ارگانی بی طرف برای تحقیق درباره مسئولیت جنگ را مورد بررسی قرار دهد.

۷ - با پذیرش وسعت خسارات وارد شده و لزوم تلاش‌های بازسازی با کمک بین المللی از دبیرکل میخواهد هیئت کارشناسانی را برای بررسی مسئله بازسازی ما، مور کند.

۸ - از دبیرکل میخواهد از طریق مسورت با ایران و عراقی و دیگر دولت‌های منطقه اقداماتی را که میتوانند منجر به تقویت امنیت و ثبات در منطقه شود مورد بررسی قرار دهد.

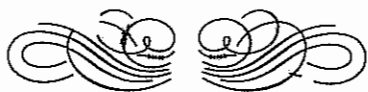
۹ - از دبیرکل میخواهد شورای امنیت را در جریان اجرای این قطعنامه قرار دهد.

۱۰ - شورای امنیت تصمیم نگیرد که در صورت لزوم با ردیگر تشکیل جلسه دهد تا اقدامات تازه برای تضمین احترام به این قطعنامه را در نظر گیرد.

معلوم شده است که خمینی که در تصاویر تبلیغاتی رژیم به عنوان "بت شکن" جلوه می‌کند، سرانجام خودش به عنوان بتی جلوه کرد که ضربه‌هایی که خود بر سر و روی خویش زد، کمتر و کاری ترا ضربه‌هایی نبود که مردم ایران بر سر و روی او کوفتند.

با اینهمه سقوط خمینی از ارتفاعاتی که تبلیغات رژیم وی را بدان برکشیده بود، به سطح بست ذلتی که امروز در آن افتاده است، دارای عامل‌ها فلگیر کننده‌ای بود که زمامداران رژیم و ملت ایران را به یک اندازه میبهوت کرده است.

این بهت همگانی مردم بزودی به پرسش‌هایی همگانی مبدل خواهد شد که جز رژیم تهران مخاطبی ندارد، و پرسش‌ها همه برگردا یسن محور خواهد بود چرا که چرا صلح؟ حکومت تهران از هم اکنون می‌خواهد با دسیسه‌بازی و نیرنگ از زیر بار این سوال‌ها که پیاپی خواهد شد و چون ضربه‌های پتک بر آن فرود خواهد آمد بگریزد. تلاش‌های رئیس جمهوری ببنوای رژیم ببنوای نخستین نشانه‌های این گریز است. ولی این بار دست ملت نیرومندتر و گریبان رژیم گرفتنی ترازان است که گریزی برای خامنه‌ای‌ها میسر باشد.



نخواهد گذشت و بهای گزافی برای آن مطالبه خواهد کرد حتی اگر برخی گروهانها بویژه گروهانهای انگلیسی و آلمانی آزاد شوند، انزوای سوریه ممکن است موجب اسارت طولانی تر سایر گروهانها شود قابل توجه است که فردای تلفن شخص ناشناسی که از سوی سازمان جهاد اسلامی آزادی مشروط کشیش تری ویت را به مناسبت عاشورا خیرداد، اطلاعیه‌ای از سوی جهاد اسلامی این خبر را تکذیب کرد و اعلام داشت که شایعات آزادی گروهانها سراسری نیست و تحولات منطقه‌ای و بین المللی، تا نیری بروضع گروهانها ندارد. روز دوشنبه (۲۲ اوت) نیز، یکی از رهبران حزب الله، شیخ صبحی طفیلی، طی نطقی در مجلس کاز

ربا بندگان گروهانها خواست تا زمانی که درخواستهای آنان یعنی آزادی به گفته‌ی مبارزان اسلام از زندانهای اسرائیل، غرب و کشورهای عرب عملی نشود، گروهانها را به هیچوجه آزاد نکنند حتی اگر به قیمت جان گروهانها تمام شود.

لوموند در پایان می‌نویسد: در این حال، یکی از مسئولان حزب الله با گفت: "با شکست سوریه در دور اول انتخابات ریاست جمهوری لبنان، که نتوانست سلیمان فرنجیه‌کانندیدای مورد نظر خود را بر ریاست جمهوری برساند، و در بازی فشرده‌ای که در لبنان جریان دارد، سوریه با زنیای زنده خواهد شد. اما سوریه و ایران استراتژیک است و ما هیچ مشکلی با سوریه نداریم."

حزب الله پروبال ریخته

به عقیده ناظران از پشتیبانی سوریه برخوردار بود، سوریه از این راه میخواهد نشان دهد که هنوز قادر است جلوه‌نوع توافقی امنیتی را در ناحیه مرزی جنوب لبنان بگیرد.

در مورد گروهانهای غربی، سوریه در حال حاضر مایل به آزاد شدن آنها نیست و بدون تردید، بازی اصلی بر سر گروهانها میان دمشق و تهران، جریان خواهد یافت که منافع ضدونقیضی دارند. از آنجا که بنظر میرسد جمهوری اسلامی دست به سیاست گشایش نسبت به غرب زده است، امیدها برای آزاد شدن گروهانها پیدا شد، اما میتوان حدس زد که حکومت دمشق در مقابل تهران به سادگی از برگ گروهانها

هیچ اقدامی نکرد. بدین ترتیب، سوریه که از هر سو بویژه از ناحیه آمریکا که به مسیحیان لبنان نزدیک شده است، خود را در فشار می‌بیند، ممکن است با ردیگر حزب الله را بحال خود مفید تشخیص دهد، و برای اجرای طرحهای خود از آن سودجوید، بخصوص که آمریکا قولیایی به مسیحیان لبنان برای بعد از انتخابات ریاست جمهوری لبنان داده است.

لوموند می‌افزاید: حمله انتحاری علیه یک واحد اسرائیلی در جنوب لبنان که روز جمعه گذشته (۱۹ اوت) انجام شد و "مقاومت اسلامی" آن را برعهده گرفت،

بقیه از صفحه ۹

از «غرب زدگی» تا «ولایت فقیه»

«... در جنگ اول جهانی - استعمار غربی، با دمیدن روح قومیت گرائی (مثل اینست که از کاربرد ملی گرائی وحشت داشته است) قدرت جهانی اسلام را از درون متلاشی ساخت و با زنده شدن حس قوم پرستی که در اسلام مسروده بود، ناگهان خلافت وسیع اسلامی به چندین قطعه تجزیه شد و آن پیکره عظیم با تیغ ناسیونالیسم، لقمه لقمه شد و هر لقمه را حت الحلقومی که غول استعمار غرب به را حتی بلعید و کشورهای اسلامی ای ساخته شد، یک دو میلیون و پانصد هزار کشته ای، قبیله ای و یا دستنشانده ای نشاند، سرگرم کشمکش های مرزی با همسایگان و ایسن بود که در اوایل قرن بیستم "ناگهان، در خلافت اسلامی، نهضت های " یان " پدید آمد: یان عربیسم، یان ترکسم، و یان لیبیا نیسم، یان ایراکسیم و یان کویت نیسم (وحدت قبطی ها در برابر عرب های مصر) و در الجزایر یان بربر نیسم. و همه می کوشیدند تا ریشه های تاریخی و فرهنگی خود را به دوره های باستانی پیش از اسلام فرو برند...»

با همه پرهیزی که از کار بردن این کلمات نازیبی دارم، شما بگوئید اگر کلمه ی بیشتر می را در این مورد بکار نبرند، کدام کلمه دیگر را نندهد معنای خود را، او و اولاد همه حرکات سیاسی و ملی در کشورهای اسلامی را (در دهه های اول قرن بیستم) بهم می آمیزد و ناگهان خشک و تر را با هم یکجا جمع میکنند و میسوزانند و بدینسان بر بسیاری از گرایش های صادق و بندگان این دوران مهر استعمار می کوبد که هر کس با الفبای تاریخ آشنا باشد می تواند این ابا طیل و هدفی را که در اندرون آنها پخته شده است با زشتی حساب تطفه ی قیام ملی مردم الجزایر و مصر و بسیاری از کشورهای منطقه که در صحنه های خون و آتش به استقلال و حاکمیت ملی آنها انجام میداد (احتمالاً) پارهای از آنها به تحریک استادان پیشین شریعتی به انحراف کشیده شد) - از دیدگاه این علامه ی " شهید " توطئه های استعماری لقب میگردد، چرا که آن مردم به گذشته ی خود با زگشته و بندهای رقیب " خلافت " را گسسته اند. با این معیار است که خوانندگان ارجمند خود میبایستند خصوصت آل احمد ها و شریعتی ها و خمینی ها را با نهضت مشروطیت ایران و نهضت ملی ایران در عصر مصدق، تحلیل کنند.

در آخرین قسمت از این سلسله مقالات به جلوه های دیگر ماء موریت شریعتی و شریعتی ها و نیز سکوت مرگبار آنها در قبایل پارس های اصیل وجدی خواهیم پرداخت.

بقیه از صفحه ۳

جمهوری

«هم شرقی و هم غربی»

اسلامی

نه غربی " با تمام مشخصات تنازع بقا " بمراحل حاخود میرسد و هر گروه به جستجوی قلابی در قلمرو شیطان های غربی و شرقی سراسیمه به بردی می کوبد و خط استیدا دیکمال با خط وابستگی منطبق میشود.

و بهرحال مجموعه ی حوادث این قریب ده سال حکومت جبر و مصیبت، تجربه های است در کنارت تجربه های بی شمار که هر کدام بصورتی ملت ایران را درگیر و در وابستگی و استبدادی مستمر نقش میزنند و در همان حال هشدار است به ملیون ایران که در این شرائط پر عذاب نیز حقد ندارند، ببهاضی و وسعت مصیبت مسئله ی مبارزه با رژیم اجداد از مسئله ی جانشینی بینگارتند و بعبارت روشنتر، ملیون به لغزش بد فرجامی مبتلا خواهند شد اگر در خط موازی و هماهنگ، تلاش در راه استقرار یک نظام ملی و طبعا " غیر وابسته " را در برنا می خود ننشاندند و خود را غرق در این توهم کنند که " چو فردا شود فکر فردا کنیم " و این مباحتی است که بخصوص در پیوند با مسئله ی با رگیری و ترکیب جبهه ی مبارزه به تحلیلی مستقل نیاز دارد که در فرصت مناسبی بآن خواهیم پرداخت.

کتابهای موجود در دفتر قیام ایران



۱ - زندگی سیاسی مصدق

در متن نهضت ملی ایران فواد روحانی

بها: ۶۰ فرانک فرانسه

۲ - قانون اساسی ایران و اصول دمکراسی دکتر مصدقی رحیمی

بها: ۳۰ فرانک فرانسه

۳ - مروری در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ایرج پزشک زاد

بها: ۳۰ فرانک فرانسه

۴ - مروری بر واقعه ۱۵ خرداد ۴۲

بها: ۳۰ فرانک فرانسه

این قیمت ها شامل هزینه پست زمینی نیز میباشد.

بقیه از صفحه ۸

شرایط انتقال از نظام دیکتاتوری به نظام دموکراسی

در کشور ما نیز از زمان تاریخ که دیکتاتورهای زمانه با کمک و حمایت استعمارگران خارجی انقلاب مشروطیت ایران را خفه کردند، مبارزات ملت ایران برای تجدید حیات آن انقلاب سالهای متعددی از در درونج و محرومیت اکثریت مردم ایران مایه گرفت و با ظلم و فساد و بیادگری هیئت های حاکمه آبیاری شد و دهها هزار رنغ از مردان و زنان مبارز و رشید جان خویش را در این راه فدا کردند و با در زدن های زجر شکنجه پسوندند تا در دوران ملی شدن نفت با دیگر قانسون اساسی، این ثمره درخت انقلاب مشروطیت ایران، با آبیاری نهضت ملی ایران جان تازه ای گرفت، اما قدرت های بزرگ خارجی بکمک و ظن فرشتان چپ و راست (با استفاده از جبهل سیاسی و ندانم کاری های گروهی از مسئولین حکومتی و خیانتست عده ای از مقام پرستان داخل نهضت) با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سقوط دولت دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران مجدداً مبارزات مردم را سرکوب نمودند و دولتی نهضت ملی ایران چون آتشی بزیخاکستر باقی ماند و مبارزان کشور ما نیز همچنان به تلاش خویش ادامه دادند تا در شرایط و لحظاتی مساعد تاریخی انقلاب ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ ملت ایران بوقوع پیوست. هدف اصلی این انقلاب نیز همان هدف انقلاب مشروطیت یعنی حکومت مالکین مملکت بر سرنوشته کشور خویش بود. اما بعفت عدم آمادگی جامعه در حفاظت از آزادیهای با زیافته، خویش، خلا رهبری دسته جمعی آگاه و موء من بحکومت مردم بر مردم، فقدان نهاد های اجتماعی و حزبی و نا آگاهی های سیاسی که همه اینها از عوارض نظام های دیکتاتورست، این بار نیز دیکتاتور ی بر آزادی پیروز شد، اما مبارزات ملت ایران همانند سایر مملکت آزاد شده برای دست یابی بحکومت مردم بر مردم، تا پیروزی نهائی ادامه خواهد یافت.

بازرگان همچنان مغضوب است

بوده که به گفته نهضت آزادی، به تخریب کامل همه منابع انسانی و اقتصادی ایران منحرمی شد. نهضت آزادی در این پیام خطاب به خمینی افزوده بود که معارضت جنگ تا بیروزی شما، دارد به جنگ، جنگ تا انجام کامل تبدیل می شود. این پیام که نسبت به خمینی، لحنی بسیار تند داشت تا به جای پیش رفتن بود که خطا تا پذیری امام را به زیر سؤال کشیده بود. در اسفند ماه سال ۱۳۶۵ بازرگان و با رانش، در بیانیه یی، به رئیس قدرتمند مجلس، ها شمی رفسنجانی حمله بردند و وی را متهم کردند که تلفات و غایبات بازرگان را در جنگ بنیان می کند و حال آن که مردم رزه بایان تا پذیرجنا زده های شهدا و نیز بیمارستان های آکنده از مجروحان و محضران را به حتم می بیند. این بیانیه به ویژه رفسنجانی را متهم می ساخت که با سخنان ناسیانه و نامستولانه اش ایران را در جهان منزوی می سازد و اظهار می داشت که درخواست برکناری صدام حسین کاملاً نامقبول است. یک سال و نیم طول کشید تا ها شمی رفسنجانی با بازرگان و با رانش هم عقیده شود. مقام های جمهوری اسلامی بازرگان را همچنین به خاطر انتشار جزوه یی علیه ولایت مطلقه فقیه، به یادداشت گرفتند. در این جزوه، خمینی متهم به ابداع نظریه قدرتی، مغایرت آنجه پیش از انقلاب گفته

به گزارش لوموند، میدی بازرگان، رهبر نهضت آزادی، که عموماً "از آن به عنوان تنها ابوزیسیون قانونی در برابر رژیم تهران یاد می شود، همچنان در تهران مغضوب است.

مهدی بازرگان، نبرد خود را برای صلح و دموکراسی که به نظر او مجموعه جداگانی - ناپذیری به شمار می روند، با آن کسه امکان عمل او محدود شده، رها نکرده است. آخرین نامه سرکشده بازرگان به آیت الله خمینی در اردیبهشت گذشته، ظاهراً " بیسی از آنچه در غرب پنداشته می شود در تصمیم مسئولان جمهوری اسلامی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تیرداشته است. بازرگان در این نامه، استبداد رژیم را محکوم ساخته بود و برای چندمین بار خواستار قطع مفاصدهای ایران و عراق شده بود.

در اردیبهشت گذشته، در پی انتشار نامه سرکشده ان به خمینی، با ساداران انقلاب پس از به زدن جلسه هواداران نهضت آزادی در مقر این نهضت در مرکز تهران، فعالان نهضت را با زدن دست کرده به با دکتک گرفتند و شماری از سران نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران را در خانه های شان توقیف کردند.

با ساداران انقلاب پس از با زرسی کاملاً و تاراج بخشی از انا به واسطه نهضت آزادی، آن را تعطیل کردند و سایل جاب و نشر آن را مشمول ممانده و بعضاً " منبذ " ساختند. در شهریور ماه ۱۳۶۵ نیز نهضت آزادی ایران در بیانیه یی خطاب به رهبران انقلاب اسلامی، شخص خمینی را مسئول ادامه جنگی ساخته

بود و آشکارا متضاد با مجموع سنت و نظر مردم بود. در جزوه آمده است که خمینی با برخورداری از قدرت و دستخبر احکام بیامی و فرود آن، خود را به نفع خدا بی تبدیل کرده است و برای دولت، استیلا بی حدود و مرزها مورک و قائل شده است.

در پی انتشار این جزوه در اردیبهشت گذشته بود که خمینی، به وزیر اطلاعات خود، ری شهری دستور داد که بامر مردم های نهضت آزادی را به حال خود رها کند. و با جوانان شان هر کاری خواهید کرد و بی درنگ هستن از شخصیت های نزدیک به بازرگان با زدن دست بند و این در حالی بود که وزیر کشور، محسنی، خواستار بازداشت بیس از بیسده تن از اعضا و هواداران این نهضت در سراسر ایران بود.

این روزها در حالی که وضع مزاجی چند تن از بازداشت شدگان از جمله علی اردلان ۷۵ ساله، وزیر پیشین دارائی در زندان رو به وخامت می رود در تهران شایع شده است که آن ها به زودی آزادی می شوند. اما ظاهراً " حجت الاسلام خویشینی ها دادستان کل کشور با بخشودگی آن ها موافق نیست.

کونا شده گزارش از آن گزارش، لوموند، جاب یا ریس، ۲۵، وت ۱۹۸۸

بقیه از صفحه ۱

فَأَلْمُورِيَاتِ قَدْحًا ".... آخوندها کسه سوادى ندارند و مردم را هم زخودشان بیسوا دتر فرض میکنند لاید پنداشته اند این عادیات از ریشه عادت است و بسه اعتیاد و معتادى چسبند در حالى که نه کلمه "عادیات" و نه موضوع سوره هیچ ربطى به اعتیاد ندارد. معنی آیه اینست: "سوگند به اسباب هاى که نفسشان بشماره افتاده و آزمشان در تاخت و تازش افروختند" این عنوان را برای هر کار دیگری انتخاب می کردند مناسبت نبود تا مبارزه با مواد مخدرولى چون بنای کار در جمهوری اسلامی بر عوا مغربى است عوض آن کسه کلمات قابل فهم فارسی بکار برندا صرار دارند در هر مورد عربى آب نکشیده بلغور کنند آنهم بدین کیفیت:

خانى مرده بود. در مجلس ختم و قاری سوره "الهیکم لتکاثر، حتی زئم المقابر" میخواند. پسرخان برآشت و گفت زرتسم زرتسم کدما مست؟ یکی از سوره های خوبش را بخوان! فهم آخوندها از قرآن و معانی آن در حد همان خانزاده بی سواد است. باری، به توضیحات مسئول ستاد مبارزه با مواد مخدر کمیته انقلاب اسلامی بازگردیم. ایشان اعتراف می کنند که از سال ۱۳۶۰ توزیع مواد مخدر در کشور بطور وسیعی گسترش یافته و مطابق آمار رسمی تعداد معتادان

به یک میلیون رسیده است. یک میلیون معتاد به مواد مخدر رقم وحشت آوری است ولی این رقم، تازه مستخرج از آمار رسمی است که معتادان شناخته شده را در بر میگیرد. لاقول چند صد هزار معتاد شناخته نشده نیز وجود دارند که یا تازه شروع کرده اند و یا پنهن از چشم دیگران مواد مخدر استعمال میکنند و در آمار رسمی منعکس نمی شوند. حالا بگیریم یک میلیون، این یک میلیون بطوری که سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر کمیته انقلاب اسلامی حساب کرده است در صورتی که هر کدا مرورى صد تومان صرف خرید مواد مخدر کنند سالانه بیش از ۳۶ میلیارد تومان هزینه آن خواهد بود و یک بار زارسی و شش میلیار د تومانى البته آنقدر جا ذبه دارد که برای خرید و فروش مواد مخدر نیز مانند معاملات قاچاق اسلحه شبکه های بین المللی تشکیل شود و قاچاقچیان برای حفاظت از کاروانها و کالاهای قاچاق ارتش تشکیل بدهند.

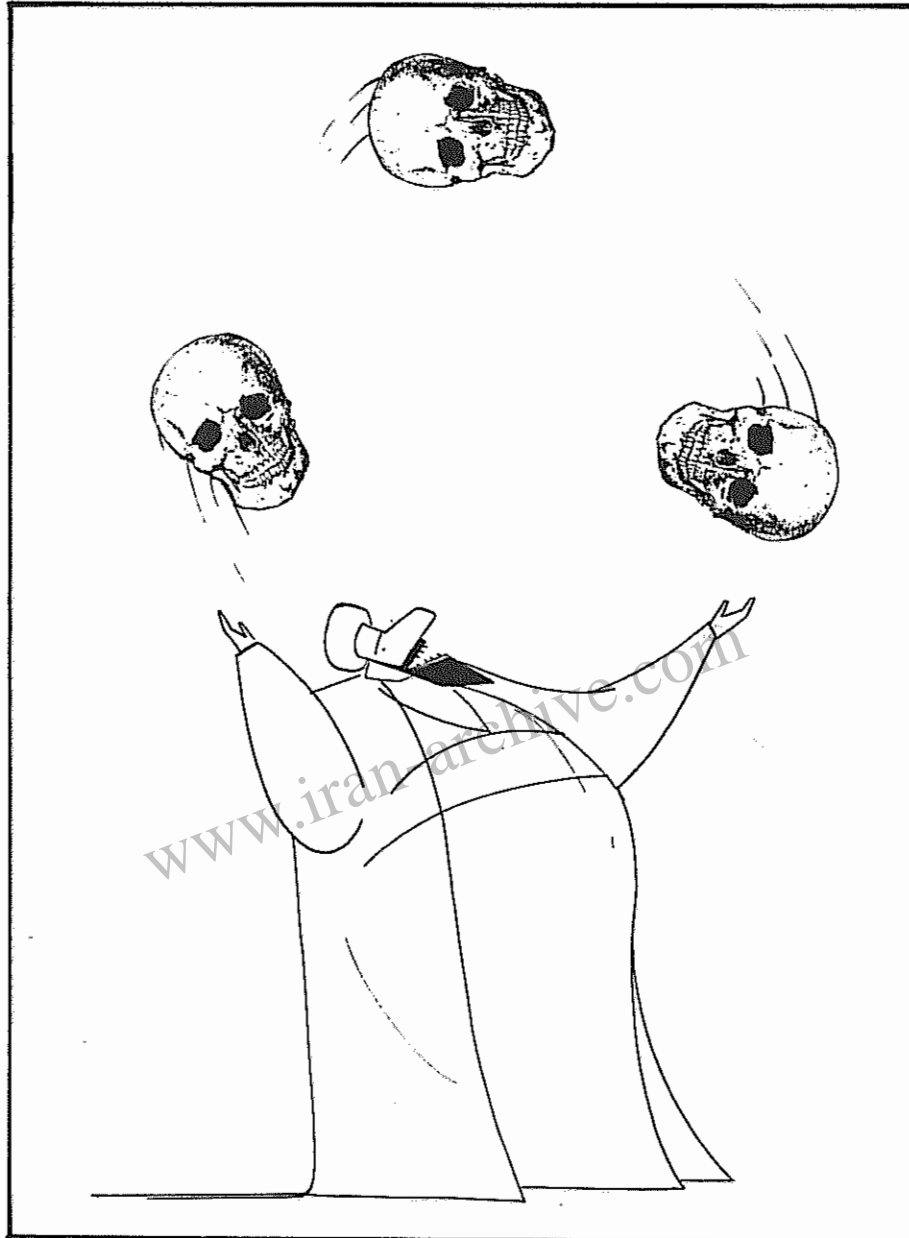
آقای سرپرست میگوید: "بدلیل بسا بودن مرزها و وسعت کویرشق کشور، سالانه ده هزار تن مواد مخدر از آسیای جنوب شرقی به ایران وارد میشود که بخشى ازین مواد در داخل کشور بمصرف میرسد و بقیه را به اروپا و آمریکا حمل میکنند. در این رابطه قاچاقچیان کاروان تشکیل داده و شبانه در کویر به حمل مواد مخدر میپردازند و اغلب به سلاحهای نیمه سنگین نظیر دوشکا، توپ ۱۴/۵ میلی متری، آر. پی. جی و بعضا "موشک استیگر مجهزند"

ملاحظه میفرمائید چه گلستانى به وجود آورده است آقای خمینی؟ یک میلیون معتاد. یک بار از ۳۶ میلیارد تومانى قاچاق مواد مخدر و یک کشورى در دروازه کسه

تحفه جنگی امام

دستگیر شود و فردی گروهی بخوانند اعمال نفوذ کنند تا نشان را افشاء میکنیم. همین اشاره کافی است که بفهمیم شبکه های قاچاق مواد مخدر سر میمانند به کجاها وصل است و توسط چه کسانی حمایت میشوند. عناصری که میتوانند قاچاقچیان مواد مخدر را تحت حمایت قرار دهند لاجرم از طاعتیان و وابستگان رژیم پیشین

قاچاقچیان، در پناه ارتش مجهز به توپ و تانک و موشک استیگر سالی ده هزار تن مواد مخدر از مرزهای آن می گذرانند. خواهی دید سیدرژیمی که برای قلع و قمع گروههای سیاسی پستوى خانه را هم تفتیش کرد و افسردای را که یک شماره روزنامه در لای کتساب و کاغذشان وجود داشت به صلابه کشید و



نیستند. رد پای اینان را در صفوف جلوس نما زجمع و در مقامات بالابالای حکومت انقلابی با یدپی گرفت. سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر نمیگوید که حالا این طرح "العادیات" چه معجزه یی قرار است صورت بگیرد و چگونه میخواهند مسئله یک میلیون معتاد دوبره را حل کنند. میلیار د تومانى مواد مخدر را حل کنند. منطقی ترین راه حل برای دفع هر بلایی، در درجه اول شناختن ریشه و عامل بلاست. باید دید بچه علت از سال ۱۳۶۰ چینی گسترش در زمینه اعتیاد و بابت نتیجه در

خانه های مخالفان را یکی بعد از دیگری شناسایی کرد و اسلحه های آنها رنده را از دل غارهای دور افتاده بیرون آورد. چگونه زپس قاچاقچیان مواد مخدر بر نمی آید؟ به این سؤال در همین محاسبه سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر کمیته انقلاب اسلامی نادانسته جواب داده است. ایشان میگوید: "ناگفته نماند که طرح والعدیات با تصویب شورای امنیت کشور شروع شد و این بدان دلیل بود که افراد و گروه های بانفوذ نتوانند مانع کار پارساران ایثارگر شوند. در این رابطه چنانچه قاچاقچی

افزایش حجم قاچاق و توسعه تشکیلات قاچاقچیان مواد مخدر پیدا شده است. آقای سرپرست عوض این که بر این نکته اصلی و اساسی انگشت بگذارد بر طبق معمول همان حرفهای یاوه صدمن یک غا زرا سر هم کرده است که "استکبار جهانی با ورود مواد مخدر و معتاد کردن نسل جوان کشور قمدار زپسای در آوردن نظام جمهوری اسلامی را دارد" عکس این را اگر آقای سرپرست میگفت به حقیقت نزدیک تر بود. استکبار جهانی برای آن که ایران را به چینی سن روز سیاهی بنشانند و نسل جوان ایران را با درسینه قبرستان ها جای دهد بیاروی صندلی چرخ دار بنشانند و با به جنگال عفریت اعتیاد بسیار، این نظام لعنتی را برای ایران تحمل کرده است.

تقویم را نگاه کنید و ببینید سال ۱۳۶۰ مبداء چه تحولی بوده است. از سال ۱۳۶۰ در حقیقت آخوندها یکتا زشدند و حکومت سیاه قرون وسطای خود را به ملت بخت برگشته یی که در آزادی و استقلال بدام انقلاب اسلامی افتاده بود از مغنان کردند. از آن سال بود که تصفیه های خونین آغاز شد، دانشگاهها را بستند، دستگاههای تفتیش عقاید را برقرار ساختند، سازمان امنیت سی و شش میلیون نفری را به تجسس در زندگی دیگران واداشتند، زندانها را ز جوانان و نوجوانان انباشتند، اشتغال و آموزش و بهره وری از همه امکانات اجتماعی را حق انحصاری حزب اللهی ها دانستند، مراکز ورزشی و تفریحی را تعطیل و مسابقات ورزشی را متوقف کردند، جنگ را مسئله اصلی بشمار آوردند و هست و نیست کشور را در خدمت جنگ قرار دادند و تنها یک راه، یعنی راه جبهه را بروی جوانان باز گذاشتند.

نومیدی، افسردگی، دل بریدن از زندگی، میل به خشونت و قساوت، از بین بردن یا از بین رفتن، آزار دادن یا آزار دیدن محصول طبیعی چنین دوران و چنین شرایطی است. اینهاست که جوانان و نوجوانان را گروه گروه بطرف مواد مخدر میکشاند. سرپرست ستاد مبارزه با مواد مخدر میگوید: "هروئین حتی به روستاهای کشور رخنه کرده است. در بعضی استانها نظیر ایلام، کردستان، ارومیه و خوزستان این گسرد خانما نسوز به وفور یافت میشود و به یک چهارم قیمت استانهای دیگر بفروش میرسد."

در نقاطی که آقای سرپرست نام میبرد قبل از انقلاب اسلامی اعتیاد به مواد مخدر از هزارا مری قبیح تر شمرده میشد مردم این نقاط اکثرا "نمی دانستند هروئین خوردنی است یا پوشیدنی، هروئین در این مناطق تحفه جنگی است که آیت الله خمینی آن را منشاء نعمت و برکت مینامید!

نشانی:



QYAM IRAN
C/O C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد